

# در مدح حضرت عبدالعظیم

۴۱۰

هر فردی که در خدمت مرتبت و بزرگی منزلت حضرت عبدالعظیم میبندد که در مسجد شجره مدینه در قبر معمولی  
 مشهوره مدفونست خدمت سه نفر از ائمه طاهره و ادراک نمود که حضرت جواد و حضرت زین العابدین و حضرت عسکری  
 علیهم السلام بوده باشند و جمعی از امامیه استفاد از احادیث و روایات ایشان کرده اند تا امر در آنچه از فضل  
 و بیانات مرحوم علم الهدی معلوم است این بزرگوار خدمت امام حسن عسکری هم شرفیاب شده و لیکن مرحوم  
 صاحب بن عباد مذکور نمود که اجتناب خدمت و نفر از ائمه شرفیاب شد بدان مرحوم علم الهدی با آنکه در نسبت  
 جلالت مقام نزدیک است بجز حضرت عبدالعظیم بلکه جهت چند را ایشان بود که در حضرت عبدالعظیم بنو از مراد  
 با خلفا جور بر ایماجح امور و فضا حوایج و نقایه طالبین و امارت حاج و ان حکومتی که مرحوم علم الهدی در  
 علماء و سادات و نفعیاء و اشراف داشتند که در علم فقه و کلام و اصول و تفسیر و حدیث و ادب  
 شعر و خطابه و فضایل نفسانی و دینی و دنیوی و جامعیت در علوم کثیره که بجاشی فرموده و ای من العلوم عالم  
 ندانند فیه احد زمانه و سمع من الحدیث فاکثر فکان متکلماً شاعراً ادیباً عظیم المنزله العلم والدين والدنيا و علا  
 فرموده در خلاصه اش و ثواب کثیره و له مصنفات کثیره ما فی الکتاب الکبیر و بکینه استفادنا الامامیه  
 سید سند شارح صحیفه فرمود و کان الشریف المرتضی قدس الله روحه بحیف الجسم حسن الصوره بدرت علوم کثیره  
 و بحری علی ثلاثه در زفاف کان للشیخ ابو جعفر الطوسی ایام فراموش کل شهر اش عشر دینار و القاضی ابن البراج کل شهر  
 ثمانین دینار و قد وقف فریه علی کمال الفقهاء این نحو است طاعت داشتند مرحوم که دهی و خف فقهاء اسلام  
 و در ماه خدمت شیخ طوسی علیه الرحمه و زده دینار میداد و با بن بر آج هشاد دینار و هجده اینک ذوالشعبه  
 مقلب شد از آنکه ابو القاسم نوخی گفت هشاد هزار مجلد از مصنفات و محفوظات و مفردات سید بوده است  
 این ثانی گفت و قتی که کتب سید را تقویم کردند سی هزار دینار شد بعد از آنکه قدری از آنها را برای دو سواد  
 فرستادند و مرحوم شهید ثانی طالب ثمر این فرمود من از خط سید عالم صفی الدین محمد بن سعد اللوسی که در  
 مشهد کاظم است نقل نمودم در سبب شریف مرتضی علم الهدی زید ابو سعید محمد بن حسین بن عبدالرحیم در کتاب  
 چهار صد بیست مرتضی شد پس در خواب با هم مؤمنان را که فرمودند که بگویند که ما را از این مرض شفا یابیم عرض کرد  
 یا امیر المؤمنین علم الهدی که سید فرمود علی بن حسین موسی است پس زید بن عبدمنان ایشان نوشتند و مراد سید مرحوم  
 و این لقب سید فرموده الله فی امری فان قبول لهذا اللقب شاعره علی بن زید گفت حدیثی از امیر المؤمنین فرمودند  
 و تفصیل تا در ایام خلیفه نوشت که باید آنچه را که بگفتند مرحمت کرده است قبول نمائی و بوالدم مرحوم سید در ماه  
 سید پنجاه و پنج و فائز در مار سیع الاول چهار صد سی و شش بود و سنش هشتاد سال و هشتاد و نود  
 از چند شریف محمد بر و نماز گذارد و در خانه اش دفن نمود و مولی غسل شد ابو یعلی شریف بعد از آن نقل کرد که در  
 جلد شریف شهدا در آن شهید عدلین باید و برادرش در فرزند و بقوم ظاهر مشهوره قدس الله ارواحهم الطاهره  
 و در رجال بحال علوم است که در سال هشتاد و دو فرستاد مرحوم را یکی از فاضلان روم بنفش کرد پس در ایام ما

نظر  
مقامات  
کاتب  
معتبر

مصلح شریف

نور ابا بن لقب نجوانیم

# روح و ریحان

۴۸۱

وزمین او را بغير نداده و اثر هاء در دستها و ريش روم سید بود و ظاهر است که فرسید و فرید در شهر و برادرش  
 مد محل معرفت با بر اهرم نجاشی و ابراهیم جد سید رضی است که فرزند بلا و واسطه حضرت موسی بن جعفر است غرض  
 از ذکر احوالی احوال سید رضی علم الهدی است که بدان چنین نزد کواری یا اینکه جلالت قدر و علوم کانت در مقام  
 حضرت عبد العظیم باین قسم بیانات فرمود **الخاصة** روم شیخ محمد بن حسن حر عاملی شریعی عامله الله بطیفة  
 الحقی والجلالی که معاصر روم مجلسی طاب ثراه بوده است در او اثر کتاب سنطاب سائل الشیخة فی تحصیل مسائل الشیخة  
 در باب عین فرموده است عبد العظیم بن عبد الله بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابي طالب ابو القاسم کان عابدا  
 و رعاوله حکما نه تدلی علی حسن حاله و قال ابن بابویه انه کان مرضیا و قال النجاشی فی نحوه کان علما و در کتاب الصدوق  
 فی ثواب الاعمال زیارتی که زیارت الحسن علیه السلام و قد تقدم بلان نهایت طریق روایت شیخ روم از صدوق علیه  
 است و بطریق روایت صدوق از حضرت عبد العظیم است چنانکه در او اثر کتاب من لا یحضره الفقیه شرح داده است  
 و ما کان فی عن عبد العظیم بن عبد الله الحسنی فقدر و بنه عن محمد بن موسی بن النخعی عن علی بن الحسین السعدی بادی عن  
 احمد بن ابي عبد الله البرقی عبد العظیم بن عبد الله الحسنی و کان مرضیا و روایت عن علی بن احمد بن موسی بن محمد بن ابي  
 عبد الله عن سهل بن زینب الادی الشاسری در یکی از کتب رجال که جامع از اینها قسم از آنکه اول و آخر از این حدیث  
 است لیکن موجود است آن کتاب عیاراتان بر حسب ظاهر صحیح میباشد اینست عبد العظیم بن عبد الله العلوی الحسنی  
 له کتاب اخبرنا جماعة عن علی بن الفضل عن احمد بن ابي عبد الله الشیخ عن ابي جعفر بن محمد بن جعفر بن ابي عبد الله  
 البرقی عن عبد العظیم و ما ت عبد العظیم بالرقی فی غیر هذا و حدیث مسجد الشیخ مشهور و قول و قد نقل بعض مننا  
 المعتمدین ان الرضا نقض علی زیارته و از عبارات اخیر آنچه در باب زیارات شرح دادیم حدیث حضرت رضا علیه  
 زیارت حضرت عبد العظیم معلوم میشود و این عبارت بواسطه تکرار در اشباح نیز چه نثار و السابغ و سید  
 و المشاهیر من علماء دین الله علیه رضوانه در کتاب و اشع مساویته که کتاب مختصر فیک است در غیر بعضی  
 رجال اهلق و کبار اهل علم فرمود من الذابغ الشایع ان طریق الروایة من جده ابي القاسم عبد العظیم بن عبد الله الحسنی  
 المدفون بمسجد الشیخ بالرقی رضی الله عنه و رضوانه الحسنی نهد و غیر خصوص علی بن ابي طالب و عثمان النافذ البصری الشیخ  
 الخیر کتبنا ذلك و بسببنا جیدا و لولم یکن له حدیث عن رضی الدین و من حقیقه الامر فقول سیدنا الهادی ابي الحسن  
 الثالث انت و ابنا حاضرا ما من النسب الطاهر و الشرف الباهر لکننا اولی الامر سبلا النبوة و الطهارة کاحد من النبی  
 اذ ما من و انقی و کان عندنا به الطاهر بن مهنا مشکورا و کف و هو صاحب الحکمة المرفقة التي قد اوردناها لکننا  
 فی ترجمه و هی ناطقة بجلاله قدره و علو درجته و فی فضل زیارته روایات متظافرة و قد ورد فی زیارته حدیث  
 له الجنة و رتو الصدوق ابو جعفر بن بابویه ثواب الاعمال مستنداً فقال حدیثی علی بن احمد قال حدیثی عن ابن قاسم  
 العلوی حدیثه الله قال حدیثنا محمد بن یحیی البطان عن دخل ابي الحسن علیه السلام فی الحدیث و لا یحضر بن بابویه کتاب اخبار  
 العظیم ذکره النجاشی و عکبته بالجله قول ابن بابویه النجاشی و غیرها فانه کان عابدا و عامر ضیا کفی استصحاب

و این حدیث در کتاب  
 روح و ریحان  
 در باب اول است

در شرح حدیث  
 روح و ریحان  
 علیه السلام

در کتب رجال  
 روح و ریحان  
 در باب اول

در شرح حدیث  
 روح و ریحان  
 علیه السلام

# در شرح حضرت عابد العظیم

۴۱۲

حدیث فضل عاوردناه فان الاصح والاربع والاصوب الاقوم ان بعد الطریق من جهة صحیحاً وفي المراجعة العلیا  
 سبحانه اعلم بدان مرحوم بتدقیق درین کتب را مشهور است تمام مفاصل علمیه و شرافت عالی حضرت عابد العظیم را جز  
 ذکر فرموده است که در هر کلمه از کلمات مرحوم اشاره ایست باخبار و احادیث متعلقه بحضرت عابد العظیم و هیچ  
 از علماء ماضین بدین عبارات شریفین با ملاحظه ایجاز از حال انتخاب نیافتیم بسط و شرح داده باشد خویش بعضی  
 از عبارات شریفه را ترجمه کرده ایم که بعضی در افواه شایع و مشهور است که طریقی روایت از حضرت عابد العظیم که صحیح  
 مدفونست در شهر ری حسن است معنی روایت حسن ذکر شد و آن بزرگوار با آنکه نصیحتی بر تو نشانی از سید است  
 بدو است و آنچه در زمانست معتقد است که بپناه و اکا<sup>ب</sup> همچنین و غنیج میباشد و تو گویند حضرت عابد العظیم  
 با حدیث عرض بین و عرفان آن بزرگوار و فرمایش حضرت امام القاسم بان بزرگوار که تو دوستی با نیک  
 و شرفیام کافی است آنکه سلب نبوه و طهارت مثل در همان نیست در خدمت طایفه مرغه و مشکور بود  
 و حکایت معروفی که آمد بری است بخوبی بجاشی این کرده اند تا طوطی است بجلالت قدرش در فضل او و این بپای  
 و تحقیق هر کس او دان بار نکند هشتاد و او واجب میشود و این بیان مؤید است آنچه از حضرت صاحبزاد  
 روایت میکنند اخبار و فرمایش صدوق و نجاشی در حدیثی است که بجاشی کتاب حضرت عابد العظیم را در لوکب  
 مؤلفه صدوق طالب راه شمرده است پس آنچه صحیح است بصواب نزدیک است که بگویم طریقی روایت حضرت  
 عابد العظیم صحیح است در درجه علیا است خداوند دانناست غرض از ذکر این فرجه آن بود که بدانند تمام آنچه  
 تفصیلاً شرح دادیم از این مطالب فوخره میتوان دانست که توثیق و تعدیل معنی می چسبند که میرا مادر فرمود  
 حضرت عابد العظیم مخصوص است بیان یکی از وجوه و طرف علم رجال توثیق و بیان اخبار مروری از آنها طهارت علم  
 السلام است تا خواستد کاند بدانند صحیح اخبار و نم آنها را حال اگر کسی بخواد بداند حسن حال راوی و خبر دهنده  
 روایت و غیره باید از مهتره این فن و اسانید از علماء که ایشانرا می شناسند سوال نمایند تا ایشانرا مثلند و توثیق  
 و اعتماد بر گفتار راوی بهرسانند اگر چه معنی توثیق مذکور شد معذک در این مقام لازم دانست عابد بدان  
 معنی توثیق است که راوی در زمان ذکر حدیث روایت از دروغ گفتن مأمور بوده باشد پس بگویند  
 توثیق یا توثیق میشود و تعدیل است که تفرع عدل بر عدالت راوی شهادت دهند و استفاضه و شهرت  
 بتذکره عدالت راوی در معنی توثیق علماء امامیه فرمودند هو ما کان کلام او بعضی غیر امامی مع توثیق الکلی  
 و مرحوم شهید ثانی نیز الدین بن علی بن احمد الشافعی العاصمی در باب ثانی از کتاب در باب الحدیث فرمود نفعنا الله  
 العبرة فی الراوی ینصیر العدلین علیها و بالاستفاضه بان یشهر عدالت بین اهل النقل و غیرهم من العلماء  
 کما یخبرنا السالفین من عهد الشیخ محمد بن یحیی و ما بعد الی انما هذا الاجتاج احد من هؤلاء الاجتاج  
 للفکرین المشهورین المنصیر علی نیکبته و لا یشتر علی عدالتهم لئلا یشتبه کل حصون منهم و ضبطهم و زعم  
 زیاده علی العدالة الی اخره و مرحوم شیخ عاملی رحمه الله علیه در کتاب نواید طوسیه که مختصر از علم رجال

زبان شریف

در شرح حضرت عابد العظیم  
 در بیان فضیلت  
 و شرافت عالی  
 و توثیق و تعدیل  
 معنی می چسبند  
 که میرا مادر  
 فرمود حضرت  
 عابد العظیم  
 مخصوص است  
 بیان یکی از  
 وجوه و طرف  
 علم رجال  
 توثیق و بیان  
 اخبار مروری  
 از آنها طهارت  
 علم السلام  
 است تا خواستد  
 کاند بدانند  
 صحیح اخبار و  
 نم آنها را حال  
 اگر کسی بخواد  
 بداند حسن حال  
 راوی و خبر دهنده  
 روایت و غیره  
 باید از مهتره  
 این فن و اسانید  
 از علماء که  
 ایشانرا می  
 شناسند سوال  
 نمایند تا ایشانرا  
 مثلند و توثیق  
 و اعتماد بر  
 گفتار راوی  
 بهرسانند اگر  
 چه معنی  
 توثیق مذکور  
 شد معذک در  
 این مقام  
 لازم دانست  
 عابد بدان  
 معنی توثیق  
 است که راوی  
 در زمان ذکر  
 حدیث روایت  
 از دروغ گفتن  
 مأمور بوده  
 باشد پس  
 بگویند  
 توثیق یا  
 توثیق  
 میشود و  
 تعدیل است  
 که تفرع  
 عدل بر  
 عدالت  
 راوی  
 شهادت  
 دهند و  
 استفاضه  
 و شهرت  
 بتذکره  
 عدالت  
 راوی  
 در معنی  
 توثیق  
 علماء  
 امامیه  
 فرمودند  
 هو ما  
 کان  
 کلام  
 او  
 بعضی  
 غیر  
 امامی  
 مع  
 توثیق  
 الکلی  
 و  
 مرحوم  
 شهید  
 ثانی  
 نیز  
 الدین  
 بن  
 علی  
 بن  
 احمد  
 الشافعی  
 العاصمی  
 در  
 باب  
 ثانی  
 از  
 کتاب  
 در  
 باب  
 الحدیث  
 فرمود  
 نفعنا  
 الله  
 العبرة  
 فی  
 الراوی  
 ینصیر  
 العدلین  
 علیها  
 و  
 بالاستفاضه  
 بان  
 یشهر  
 عدالت  
 بین  
 اهل  
 النقل  
 و  
 غیرهم  
 من  
 العلماء  
 کما  
 یخبرنا  
 السالفین  
 من  
 عهد  
 الشیخ  
 محمد  
 بن  
 یحیی  
 و  
 ما  
 بعد  
 الی  
 انما  
 هذا  
 الاجتاج  
 احد  
 من  
 هؤلاء  
 الاجتاج  
 للفکرین  
 المشهورین  
 المنصیر  
 علی  
 نیکبته  
 و  
 لا  
 یشتر  
 علی  
 عدالتهم  
 لئلا  
 یشتبه  
 کل  
 حصون  
 منهم  
 و  
 ضبطهم  
 و  
 زعم  
 زیاده  
 علی  
 العدالة  
 الی  
 اخره  
 و  
 مرحوم  
 شیخ  
 عاملی  
 رحمه  
 الله  
 علیه  
 در  
 کتاب  
 نواید  
 طوسیه  
 که  
 مختصر  
 از  
 علم  
 رجال

اشاره نام

# روح و جان

۴۱۳

فرمود که صد و نود و یک مرتبه با جلال قدر و اوصاف محموده که دارد مستغنی از تعریف و توصیف است بخاسته  
و کثرتی نصیر بر توفیق وی نفرمودند و مرحوم میرزا در فتاوی این فرموده که آن علماء الرجال لرید ذکر و اله توفیقاً شفا  
بذلک کفایاً من غیره و بشهادة الفرائین الکثیرة المستعما مکتوبه مرجع العلماء و الفقهاء خلاصه مرحوم شیخ صدوق  
در کتاب فوائده ضبط و عدالت و صحیح حدیث و وثاقت مرحوم صدوق طاب ثراه ذکر کرده که یکی از آن همان پیام خود  
میرزا است که داعی استقامت و وطریق روایت جامعی مانند شهید زین العابدین و علامه و فرزندان و غیره محققین و ابن داود و ابن  
طاووس و شیخ عقیق و مفیدان این عهد و میرزا و شیخ بهائی علیهم السلام و ما از او پیش از آن مرحوم صدوق پیشین چون بگوید  
که صدق حافظ و ضابط و عادل و موثق نباشد علماء که میگویند فلان عالم صحیح الحدیث و مفید غلب و توفیقاً  
و صدق وجه طایفه شیخ ایشانست و علامه فرموده که پس از صدق و غیره است بلکه در حجاب دارد بر غالب مسائلاً  
حال عرض میکنم بنا بر روایت با حاد رازی که شرح دادیم حضرت عبدالعظیم مندوح و منصوم است که بجملاً امام  
فرموده معالذین خودشان را از وی اخذ کنند مگر تقصیر همین است دیگر آنکه در شاهد عدل مثل حضرت جواد  
و حضرت هادی بلکه حضرت عسکری علیهم السلام که فرمودند حضرت عبدالعظیم را بزرگترین بزرگان است که با بدعت  
معصومین بگرددان بزرگوار را از معرفت و معتدل با بدعتی باشد دیگر استفاضه و شهرت نیز کفایت است که پیش از  
علماء که بتواند بگوید حضرت عبدالعظیم موثق نیست یا آنکه غیر امام وی را توفیق و معتدل کند آنکه مریدان او  
است هیچ کس اجل از آن بزرگوار نتواند بعد از آنکه در حق صدوق طاب ثراه بگویند که احدی بواسطه جلال قدر  
جرات نکرد او را توفیق نماید بطریق اولی حضرت عبدالعظیم هم موثق عند الله و عند الرسول و عند الامم است و احد  
را نمیرسد که بگوید آن بزرگوار احتیاج بتوفیق دارد بل توفیق حضرت عبدالعظیم صدق و خلاف احرام است  
مثلاً آنست که کسی اندعا یا خواهد امام را معتدل نماید و در امثال مناقشه نیست پس مخرج که ائمه این بزرگوار  
باشد باید پیدا کرد و یا القطع در سلسله اعداء و علماء احدی را این جفا نیست الشاهنشا و مرحوم خاتم المتحدین  
علامه مجلسی روح الله و در میرزا کتاب بحار الانوار احوال حضرت عبدالعظیم را در باب بیانات فرموده است  
خوبست خلاصه آن را از کتاب مخزن الزائر که فارسی است برای سهولت نویسم بدانکه از مرادات مشهور معلوم  
مرفد منو امام زاده واجبه العظیم حضرت عبدالعظیم عبدالله بن علی بن حسن بن زین العابدین علی بن ابیطالب است  
چهارم حضرت امام حسن منتهی پیشوایان کابر محمد بن و اعظم علماء و درویش و از اصحاب امام محمد تقی  
و امام علی النقی علیها السلام بوده است و نهایت توفیق و تملیح در ایشان داشته است و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده  
است و غیره شریفان و در مشهور و معلوم است و شیخ نجاشی پسندیده است از احمد بن خالد در روایت کرده است که  
حضرت عبدالعظیم از خلیفه کریم آمد و غنی شد و در راهی در خانه مردی از شیعیان در سکه اللوالی  
در اجاعیاد خدا میگردید و روزها و روزها میبیداشت و شبها نیز میبیداشت و پنهان بود و آمدن بزرگوار  
و که در مقابل او ایستاده و راهی در میان او و میگفت این مردی از فرزندان حضرت امام موسی است و پیشتر در اینجا

روح و جان  
فوق العباد  
علیه السلام

# در مدح حضرت عبد العظیم

۴۱۴

میو و بکد و از شبعه خیزد و میبشدند از احوال و نا انکه اکثر مردم ری و ما شناختند پس شخصی از شبعه حضرت  
 رسالت پناه را در خواب دید که آنحضرت فرمود مردی از فرزندان مرا از سکه الموالی بر خواهند داشت و عدو  
 خواهند کرد و نیز درخت سبب رباع عبد الجبار بن عبد الوهاب اشاره فرمود به آن مکان که در آنجا مدفون  
 پس آن شخص رفت آن مکان را از صاحب باغ بخرد صاحب باغ گفت از برای چه میخری این درخت جای اندرخت و آن  
 شخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت من نیز این خواب را دیده ام و موضع این درخت را با جمیع باغ و نصف کردم  
 بر آن سبب و سایر شبعه آنکه در آنجا مرد های خود را دفن کنند پس عبد العظیم بیمار شد و بر جمعی از وی واصل کرد  
 چون او را برهنه کردند که غسل بدهند در جیش رفته یافتند که در آنجا آنست خود را نوشته بود که منم ابو القاسم  
 عبد العظیم پس عبد الله پسر حسن پسر بدیع حسن پسر علی بن ابیطالب و این بابویه و ابن قولویه پسند معنی  
 روایت کرده اند که مردی از اهل ری خدمت حضرت امام علی القلی رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی گفت نزد  
 حضرت امام حسین و رفتن بودم فرمود اگر زیارت میکردی عبد العظیم را که نزد شماست هر آنکه مثل کسی بود  
 که زیارت امام حسین کرده باشی اگر چه این حدیث سابقا ذکر شده بود برای همین این کتاب را خواستم به بیان  
 مرحوم مجلسی ثبت داده باشم **الفاسم** عالم فاضل سپیدمان سپید شدم بن علی بن حسن بن علی بن شادمان  
 الخیری الحسینی المدنی در کتاب **موسوئجفة لب الالباب** ذکر نسبت السادة الانجبار و احوال انجبار حدیث  
 مشهور مذکور و آنکه کرده است بعد از نقل آن فرمود که آن عبد العظیم صاحب عابدان و عازاها صاحبان نهاد  
 منجد البله بعد از آن نقل حدیث زیارت آن بزرگوار را فرمود و گفت بقول جامعه الفقیر الی الله القلی بن علی  
 الحسینی المدنی اقدم الله علی فضل و کرمه زیارتی از بهترین احدهما فی شهر ربیع الاخر باشد و الثابتی ۵۳ و کان  
 بها ولدای محمد ابراهیم عز الدین و صنوه ابو محمد القاسم جمال الدین العاشق از علماء فطاهه و نسایه ابو اسمعیل  
 ابواهم بن عبد الله بن حسن بن علی شاعر صاحب کتاب **مشفلة الطالبیة** که بعد از این در باب واردین دی از امام  
 زادگان از کتاب عدت کور شرح خواهم داد **روح و بحران الثامن عشر** در احوال سید المصی امامزاده عزیز  
 کافم الموسوی صلوات الله علیه علی ابائه الغر الميامین مخفی نماید اولاد و احفاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام  
 با اتفاق عامر خاصه از تمام ائمه معصومین بیشتر است و کثرت نسل میان ائمه طاهران حضرت شاه و لایست امر  
 و حضرت موسی بن جعفر اما حضرت امام مؤمنان از ذکور و اناث بیست و هشت نفر فرزند صلیر از اواج عدید  
 داشتند اما حضرت امام هفتم سی و هشت نفر و این شبعه امام را و این عام علاوه است صاحب کتاب گلشن آرا  
 شست نفر از بنان و بنین تعیین کرده است که بیست و سه پسر بودند و سی و هفت دختر و صاحب کتاب **حبیب البیت**  
 بطریق شبعه و مفقداست یعنی بیست و سه پسر و هجده دختر و صاحب تاریخ گلشن آرا از شیخ تاج الدین نشانی ذکر  
 کرده است از اولاد موسی بن جعفر سیزده تن از ایشان عظیم اند چهار نفر عقیقتشان بسپاشد و چهار تن  
 متوسط و پنج تن بسیار و ایشان را شیخ ابونضر بخاری نیز فرموده است که از نسایه مشاهیر است اما پنج تن که

امام علی القلی  
 و عبد العظیم  
 و سایر کاتبان

کتاب  
 مشفلة الطالبیة

کتاب  
 حبیب البیت

# سرخ و بختان

۱۵

اندک بود عابرون و اصفی و حسن و حسن بن است و احوال هر یک را مشروحاً ذکر کرده اما چنانچه آنکه آنجا  
 بیست است حضرت رضاء و ابراهیم رضی است که سابقاً عرض کردم که بعد مرحوم سید رضی و سید رضی است  
 و معروف بجای قاز ابراهیم بن موسی سید نقره اندا و موسی دوم جعفر سوم اسمعیل با اولاد موسی بن ابراهیم  
 موسی جعفر کذا فارس و شیراز و دیکن و م و آیه و سی بسیارند و ابو احمد حسین بن موسی ابراهیم که معاصر  
 الذمه بود و چهار سال مجوس گردید و نقابین را این داشت نسبت با ابراهیم بن موسی میرساند و بعد از چهار سال  
 از حبس نجات یافت بغداد رفت و کسند نقل و بختان و اصفی انضا آنکه داد و در سنه چهار صد و نصد و نصد و نصد  
 و در جوار جدش حسین بن علی آمد فون شد و ابو احمد را در و پس بود یکی ابو الحسن که سید رضی الذین معروف است  
 بنا بر قول صاحب کتاب عمده الطالب چهار سال از برادرش سید رضی طاب ثراه کوچک تر بود و ریشه عالی داشت  
 کتاب فیح البلاغ از مجازات او است کتاب فیح الیمن و کتاب طشابه و کتاب محاذات و کتاب خصایص و کتاب اخبار  
 فضائل او کتاب پوان شعر و در علم و تقوی و زهد و روح در عمر خود عدل و نظر داشت و معاصر با ق  
 بالله بود و در سال چهار صد و شش و چهارم محرم وفات کرد و چهار و هفت سال از عمرش گذشت چون در  
 سابق ذکر کردیم سید رضی علم الکتاب ثراه شد در این محل مناسب است که این احوالات سید رضی علیه الرحمه  
 از کتاب عمده الطالب نقل نمایم بعد از اینکه ابو القاسم که نسبت با اسمعیل فرزند حضرت صادق میرساند در مصر  
 کرد و بومهدی لقب دادند و گفت که حضرت رسول فرمودند علی را سه ثلثه نطفه الشمس من مغربها را در این اقل  
 منم که در بلاد مغرب طلوع ظهور منبایم و جامع او می گریه کرد و بچو بیکه خلفاء بنی عباس در بغداد  
 گردیدند و محضر نوشتند در طعن و محکوم کردند خطای بر دوش سایر بخوانند و تمام اشراف و اعیان مغرب  
 مکره جوم سید و این فقره بعد از وفات هک بود چند سال و هر قدر اصرار کردند و امتناع نمودند سید را که  
 مفید نشد ایجاد و نهادند که سید رضی اعشای نکر و آخر پیدایش او را نهادند که ای فرزند منبرم برو  
 از بنی عیلم صدمه وارد اید عرض کرد منم از خلفاء و سادات مصر و سنا گردید و رشک گفت و بلك انخاف من بینک  
 و بنی سنامه فرسخ و انخاف من بینک و بنی عرض الیتر یعنی از ششصد فرسنگ راه منبرم و بکن بین تو و خلفه  
 سلف مراست منبرم و از التفان نکر و مهنر نمود و در صحنه نسبت خلفای مصر این قطعه را گفت ما معافی  
 علی الهوان و عنید موقل صاریم و انت معی اهل الصمیم بلاد الاعادی و بصیر الحلیفة العلوی من ابونا  
 و بعد حکم اذا صامتی العبد الفقه لعمری بصیرت الی الناس جمیعاً محمد و علی بن زبیر مقتدر بالله  
 گفتا که شما در طعن سادات و خلفاء مصر خطبه خوانید ایشان هم در مصر و طعن شما خوانند بعد از آن قدر  
 و معافی نخواهد بود مقتدر بالله و کلام و ذر را پیکر کرد پس آنحضرت را پاره کردند و این فقره از حسن بن حسین  
 سید رضی الذین مجتهدین حسین بوده اما سید رضی که پسرش ابو القاسم نام میار که شعل است و مجتهد مذکور است  
 و نقیب النقیاب و در سال چهار صد و سی و شش در ماه ربیع الاول وفات یافت و هشتاد و سه سال از عمرش گذشته

سرخ و بختان  
 سید رضی علیه السلام  
 در کتاب عمده الطالب  
 نقل شده است

خاندان رضی  
 در حال حیات  
 در کتاب عمده الطالب  
 نقل شده است

# شرح حال الطاهر الحزوه

۴۱۶

در جوارید و برادر و جویز و کوارش مدفون گردید و بسیار غریب است آنچه را که در کتاب گلشن آیام روایت کرده  
 یکصد چهل هزار جلد کتاب داشت بعد از فوت مرحوم سید رضی مستنصر عینی مشاهد هزار و در کتابخانه  
 مستنصر بود و مشقت هزار را مفرق کرد و در کتاب مجمع البحرین مشاهد هزار نوشتند است خلاصه را بیست  
 این باب خواشم نسبت به پند و سید جلیل انگاشته باشم و در نفر دیگر که عقب ایشان زیاد است از فرزندان  
 موسی جعفر عمن عابد و جعفر است احوالشان از علماء و شایسته شرح کرده اند اما چهار نفر دیگر که اعیان  
 متوسط است نبدانار و عبدالله و عبدالله و حمزه میباشند و مراد از این مقدمات شرح احوال امامزاده  
 فرزند موسی جعفر است بر حسب مؤخره و حضرت عبدالعظیم بوده است صاحب کتاب ترا لاینب  
 گفته است حمزه بن موسی جعفر ولد القاسم بن حمزه من ام ولد اشک من \* ان القاسم بن حمزه و علی القاسم  
 بن حمزه و الحسن بن القاسم بن حمزه و حمزه بن حمزه بن موسی من ام ولد و عقب قلیل پس از این بیان بدان که عقب  
 امامزاده حمزه متوسط است آنچه در کتب مهوره این فن یاد کرده اند ما در امامزاده حمزه اولاد بود و او را  
 دو پسر ماند یکی قاسم و دیگری علی و کینه امش ابو القاسم است پس از این دو پسر کوار فرزندان امامزاده حمزه  
 نقیاطوس و مجموع سادات ناخاید بد آمدند و بنو حمزه اعقاب این بزرگوارند که در عجم بسیارند و محمد بن موسی  
 احمد المجدد که نقیاطوس و ذریه مولود سامانیه بود و وصله الدین کفر دار سلطان محمد خدابنده و نقیاطوس  
 ثمامه نسبتا با امامزاده حمزه بن موسی همسر باشند و از نسل امامزاده حمزه موسی است مرحوم سید ابوالقاسم  
 الفقهاء و المجتهدین و وارث علوم اجداده الطاهرین نلیج العلماء الاعلام و مترجم الاحکام من مسائل الخلال  
 حجة الاسلام اصلا الاصول و فحل الفحول زین الاوائل والاواخر الحاج سید محمد افراسیابی الشافعی مولد و الاصفهانی  
 موطن او مد فاضل من الله و حجة حیده این سید استدبانی که در زمان خود بسیار مثل و ثانی بود در خدمت  
 جماعتی از اساتید مجتهدین تلامذہ و از آنجا خدمت مرحوم سید محقق استبد علی طباطبائی و خدمت مرحوم مدفوع  
 العلوم و خدمت مرحوم سید اساتید اساتید محمد و خدمت مرحوم سید الکلی امامزاده افراسیابی و خدمت شیخ الفقهاء  
 شیخ جعفر نجفی و خدمت مرحوم فقیر العصر ابوالقاسم نجفی و خدمت حید الدهر اقا خوند ملا مهکزیانی طباطبائی  
 ارماسهم او را واسطه تحصیل از مرحوم را بنفصل نوابی نام و وقتی که از عیبات عالیهات مراجعت فرمود  
 جز کتاب مدارک و سفره ثانی که غذای جان و دوتش بود مالک چیزی دیگر نبودند و در مدرسه چهار باب اصناف  
 نزول جلال کردند و با مرحوم حاجی کلباسی صدیق و رفیق شدند جناب حاجی سید معظم را از همدان فرستادند  
 اعیان و اصحابی بنا بر زمان یافتند در آن زمان مشغولین و طلاب علوم دینی بودند در آن زمان حاضر شد  
 و در علم پیدا کردند که رفتند اموال کثیره از نفوس و ضیاع و عفار و قریب حضرت ایشان افتاد یافت نگاه  
 مسجد که در محله میباشد است که مانند آن بنای در اسلام نشده است بیان فرمودند و وقت مرحوم خاقانی  
 خدا شایان از مرحوم سید سوال کرد اینقدر و جبران کجا تحصیل فرمودید و صرف این مسجد نبودند فرمودند

ان بزرگوار

بزرگوار است  
 این بزرگوار است  
 این بزرگوار است



دشمن در خزینه خلاق عالم است هر آنچه بخوام حصول و وصول ممکن از فرار سموع بعد از مرحوم علم الهدی  
سید رضی طاب ثراه از سلسله موسویین بمانند افتاد و اسبلاً از مرحوم در تفهید احکام شرع مبین احدی  
خاطر ندارد و محقق است که سلاطین معلولند و بی صورت و شمائل مرحوم سید را برای بزرگ و  
زیارت به بیع و کائنات خودشان بردند و وجود مبارکش را اقوی برهانی بر حقیقت دین خانم پیغمبران <sup>نشان</sup>  
و اگر کسی طالب باشد مؤلفات و مصنفات مرحوم سید را ملاحظه کند میداند در اسلام برای اعلامیان  
چه قدر زحمت و رنج کشیده است و بحمد الله تعالی معنی فتاوی و مقیم مقام اعلی در محراب و منبر و مدرس  
و در پاست کلمه بعد از آن مرحوم جناب امام المعظم و المول المکرم المجهّد البصیر و الامام الخیر الورع النقی  
الذکی سید الاعلام الذی عفت عن اناج سکره الاعوام العالم الذی تفضله الایام علامه زمانه و فقیه  
اوانه الحاج سید اسد الله عشره الله مع ابيه المرحوم و جده للعصوفی اعلی درجه المقام العلوم و خیرات <sup>نشان</sup>  
این سید اجل باعث عزت و فخر این ملت و دولت است بر تمام ملل و دول علی ای حال بخواند اجمال نسبت این بزرگوار  
از فرار و پیک خود مرحوم سید در اول کتاب مطالع الانوار که مشتمل بر پنج جلد است تمام آن مشحون و مدون  
از فضل رسول است نوشته اند خوبت بسیار آنها نقل کرده در این اوراق بنویسم بعد الحمد علی الاء الله  
و فضاله و الصلوة علی مفر اهل ارضه و سانه محمد سید رسوله و اله و اعصابه بقول المستشرقین بحار الجرائم و العا  
و المنهمک فی بوادی اللواعب الملاهی المحضیم بحیال تفضل سیده الباری المدنیة بانبال ترجمه تبه البانی محمد باقر  
محمد تقی بن محمد زکی بن محمد تقی بن شاه قاسم بن سید اشرف بن شاه قاسم بن شاه بن امیر بن هاشم بن السلطان السید  
علی قاضی بن سید علی بن السید محمد بن السید علی بن السید محمد بن السید موسی بن السید جعفر بن السید اسمعیل بن  
السید احمد بن السید محمد بن سید ابو القاسم بن سید حمزه بن سید و مولای سید و مقصدای موسی بن جعفر بن  
محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم اکل السلیمان و الخائف و صاحب کتاب عدّه الطالب آورد  
که جامع کو کتبه دعوی فرزند می حمزه بن موسی را میکنند اما ایشانرا خطی از آن نیست هم الکتابون و گویند  
در نیشابور هم فوم کشد که زعم ایشان است که از اولاد امامزاده حمزه اند اما در مدفن امامزاده حمزه در  
کتاب انساب بطریق اختلاف دیده شده است اسکندریک بنفشه در جلد اول تاریخ معالی آرا در ذیل نسب صفویه  
انوار الله بر اینهم ذکر نموده که نسبت این سلسله جلیل حضرت حمزه بن موسی شوم بشود و مدفن امامزاده در فرید از  
فرای شهر است و سلاطین صفویه برای کعبه عالی بنا نموده اند و موقوفات زیاد فرار داده اند و در شهر  
جمعی عتقاد کرده اند مگر اینست آن حضرت امامزاده حمزه و آنچه مشهور و معروف است و جمعی از اهل طهر آن که  
با فضل و اطلاع اند بر این بیخ معتقدند و جز این حصه ندارند حضرت عبدالمعظم بن بارش امامزاده حمزه بن  
موسی بن جعفر مشرف شد و قهره زیارت بانور المشرق المصنوع الا نور و بازاری قریب خیر جبل من ولد موسی بن جعفر  
ان بزرگوار است بیون واسطه و اگر بسندی از دلی عیالته بخوانند در کتاب تحفه الزائر که مرحوم مجلسی <sup>نشان</sup>

سید محمد تقی بن شاه قاسم بن سید اشرف بن شاه قاسم بن شاه بن امیر بن هاشم بن السلطان السید علی قاضی بن سید علی بن السید محمد بن السید علی بن السید محمد بن السید موسی بن السید جعفر بن السید اسمعیل بن السید احمد بن السید محمد بن سید ابو القاسم بن سید حمزه بن سید و مولای سید و مقصدای موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم اکل السلیمان و الخائف و صاحب کتاب عدّه الطالب آورد که جامع کو کتبه دعوی فرزند می حمزه بن موسی را میکنند اما ایشانرا خطی از آن نیست هم الکتابون و گویند در نیشابور هم فوم کشد که زعم ایشان است که از اولاد امامزاده حمزه اند اما در مدفن امامزاده حمزه در کتاب انساب بطریق اختلاف دیده شده است اسکندریک بنفشه در جلد اول تاریخ معالی آرا در ذیل نسب صفویه انوار الله بر اینهم ذکر نموده که نسبت این سلسله جلیل حضرت حمزه بن موسی شوم بشود و مدفن امامزاده در فرید از فرای شهر است و سلاطین صفویه برای کعبه عالی بنا نموده اند و موقوفات زیاد فرار داده اند و در شهر جمعی عتقاد کرده اند مگر اینست آن حضرت امامزاده حمزه و آنچه مشهور و معروف است و جمعی از اهل طهر آن که با فضل و اطلاع اند بر این بیخ معتقدند و جز این حصه ندارند حضرت عبدالمعظم بن بارش امامزاده حمزه بن موسی بن جعفر مشرف شد و قهره زیارت بانور المشرق المصنوع الا نور و بازاری قریب خیر جبل من ولد موسی بن جعفر ان بزرگوار است بیون واسطه و اگر بسندی از دلی عیالته بخوانند در کتاب تحفه الزائر که مرحوم مجلسی



# شرح حال امامزاده حمزه

۱۴۱۸

فرموده است فرزندش ابانزاده حمزه فرزند حضرت موسی بن جعفر نزد یک فرزند حضرت عبد العظیم است ظاهر  
 همان باشد که حضرت عبد العظیم زیارتش او میکرد است انفر قد ضرور اهرم باید زیارت کرد بلی ان کتاب  
 مشقه الظالمیه از واردین دی ابوالقاسم حمزه اطروش است که نسبت به عبدالله باهر فرزند علی بن الحسین  
 میرساند بگونه ابوالقاسم حمزه اطروش ابن عبدالله بن حسین بن اسمعیل بن محمد الارطاب بن عبدالله بن  
 علی بن العابد بن عقیله علی و عبدالله و الحسین و مرحوم قاضی نورالله شوشتری در کتاب مجالس المؤمنین  
 فرموده که در مدفن سید حمزه موسی و سید عبدالله ابیفرح امامزاده لازم القظیم سید عبد العظیم است و  
 ظاهر این عبارت دلاله میکند که واسطه در میان نیست و هوئی که آن کرده اند که این بزرگوار حمزه بن حمزه بن  
 موسی است و در احوال وی نوشته اند بجز اسان رفت و در کتاب انساب صحیح که موجود است در داعی است مثل  
 حمزه بن موسی را از دو پسر دانسته است حمزه و قاسم و گفته است حمزه را پسر مات علی بن موسی و در باب اصطن  
 در خارج شهر از مدفونان است اندک است او را اعراب میخوانند و بر همین طریق است  
 کتاب عده الطالب عبارده او است اما علی بن حمزه بن موسی مضمی در جا و قبر و بشیر از خارج باب اصطن و له مشهور  
 و در کتاب تاریخ کلشن آراست از امامزاده حمزه غیر از علی و قاسم بعضی مانند منافی است باینکه پسر حمزه نام داشته باشد  
 بآنکه بگویم از ایشان احفاد و نتایج نماید و علی القند خاطر ندارم اولاد و اعقاب حمزه بن حمزه بن موسی را بطری  
 کت رجال حمزه نام از اولاد آن نام بواسطه بسیارند که یکی حمزه بن عبدالله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن  
 است و در زمان حضرت صادق بوده است دیگری حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبدالله بن علی بن  
 علی بن ابطالب است و بعضی گفته اند حمزه بن قاسم نسبت به عباس بن ابطالب میرساند و شهیدانی انطریق و اصوا  
 مینداند و جاشی گفته است حمزه بن قاسم صاحب نصاب است از اجله کتاب توحید و کتاب زیارت و کتاب در مجتهد  
 جعفر است خلاصه آنچه ذکر کردیم از اشتهای نسب و سلسله سلاطین و سادات صفویه با مراده حمزه که مدفون  
 در مدینه است و در وصایای حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مذکور است از آنکه سابقا عرض کردیم از فرزندان  
 امامزاده حمزه علی و قاسم عقیله داشتند و علو و صفویه را با قاسم میرسانند و نسبت برای عقیله است باینکه در کتاب  
 از عبد العظیم ایشان شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی و هو شیخ صفی الدین اسحق بن شیخ ابی الدین جبرئیل بن شیخ صالح بن  
 سید فضیل الدین ابوسعید صلاح الدین رشید بن سید محمد الحافظ بن سید عوض الخواصر بن سید فرزند شاه زین  
 کلاه بن سید شرف الدین شاه بن سید محمد بن سید حسن بن سید محمد بن سید ابراهیم بن سید جعفر بن سید محمد بن ابو  
 اسمعیل بن محمد بن احمد بن اعرابی بن ابومحمد قاسم بن ابوالقاسم حمزه بن امام موسی کاظم و از طرف مادر شاه  
 عباس رضوان مکان نسب با حضرت علی بن الحسین از فرزندان حسین اصغر میرساند که جد حضرت قاضی  
 و یکی است چنانکه در نسب وی ذکر میشود پس شاه عباس پسر فخر النساء سکنه است که وی در خرم عبدالله  
 فایز بن سلطان محمود خان بن سید عبدالکریم خان بن سید عبدالله خان بن سید محمد بن خان بن سید محمد

از این فراموش  
 در کتاب انساب صحیح  
 که موجود است در داعی  
 است مثل

و مناسک

از این فراموش  
 در کتاب انساب صحیح  
 که موجود است در داعی  
 است مثل

# روح و احسان

سید طحان کمال الدین و الساری ابن سید غلام الدین بن الشهوری بپزند که ابن سید صلیب سید عبد  
 سید محمد بن سید ابوالقاسم بن سید علی بن سید عمر بن سید عبدالله بن سید محمد اکبر بن سید حسن بن سید  
 حسین اصغر بن سید تجاد امام زین العابدین علیه السلام و سلاطین صفوی بودست پیچاه سال سلطنت  
 کردند و از ده نفر بودند اول ایشان مرحوم شاه اسماعیل صفوی ماضی در سنه ۹۰۰ هجری پانزدهم از هجرت  
 گذشته بر سر سلطنت نشیند و شیخ مذهبنا الحق در سنه ۹۰۰ هجری محرم الحرام و آخر ایشان شاه سلطان حسین صفوی  
 و شاه عباس ثانی از مجموع واقعات میر و پسر و جبارت در ایران دولت افتاد به هجده سال و کسری شد  
 سلطنت نادر شاه مخدر که در سال یک هزار و یکصد و چهل و یک و داعی عرض میکند رحمت کان شاه طاهرا  
 صفوی در دار السلطنه فرزند مقرر سلطنت داشت و کاهی بر می آمد برای زیارت جد بزرگوارش حضرت امام زاده حمزه  
 و چون طهران و مهران کرد و فریاد در دامن شمالی کوه شمیران شکارگاه خوشی بود لهذا او فاش مدینه در آن محل  
 اقامت نمود اخذ پس نام حکم ایشان حصا و باروی طهران بنجوبکه محلا اشاره کردیم بنا شد ببارزه اخروی بنا  
 این شهر توان گفت از بزرگان زیارت حضرت امام زاده حمزه است از آنکه مفصلا صلوات شاه طاهرا صفوی زیارت این  
 بزرگوار بود و سایر بزرگان و ملوک صفوی بر این طریق مشغول شدند و نمیشد گفت با وجود علماء و محدثین و اهل  
 نسبی در زمان ایشان بودند حال این بزرگان کثیرا لانوار مشبه باشد و یکی از علماء از زمان فاضل نورالله شوشکی  
 است که خبر میدهد از نسب سید جلیل و اخرا ما اینکه حضرت عبدالعظیم را بنابر شرف صفویها تا بر حد مراد  
 دلالت نماید از آنکه جلالت قدر امام زاده حمزه اجل از اعطاب احضار وی بوده است البته کسیکه بدین فاصله  
 منسوب است با امام باقر و زهد نظری از طبقات لاحقین محرم تراست این زیارت نامه هم که خوانده میشود از قضا  
 علماء است که میخوانند با آن شرع بر خیر و جل من قله موسی بن جعفر دلالت میکند مراد از ولد فرزندان بلا واسطه اند  
 بنابر معارضه دعوی بداعی دلایل جز بعضی احوال موافقین بوده باشد از آنجا که دعا کوی انسان شکسته در زیارت  
 مختصر و مبسوط خدمت حضرت عبدالعظیم مدیه نمود مناسب دانست برای یادآوری این بند نگاه کرده زائرین حضرت  
 امام زاده حمزه این زیارت نامه موجزه را هم بخوانند شاید این عاملی بجز حاصل آید **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**  
**سَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ وَجَنَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَعَلَى أَجْدَادِكَ الْهَادِينَ وَأَبَائِكَ الْمُصْطَفِينَ**  
**يَعْدِدُنِي فِيهِمْ مِنْ بَنِي وَخَلِيفِهِ وَعَوْتِهِ الْبَيْتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ مَنْ قَامَ وَالسَّعَادَاتِ**  
**ثُمَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ زَائِرِ مَشْهَدِكَ وَأَسْجَادِ مِرْقَلِكَ وَمَنْ قَدِمَ دَارَكَ وَلَزِمَ جَوَارِدَ قَطْوِي الزَّائِرِ وَالزَّوْرِ**  
**وَمَنْ تَوَسَّلَ إِلَيْكَ بِكَ كُلِّ حَزْبٍ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَامَ عِنْدَكَ حَتَّى لَحِقَ بِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عِنْدَ جَدِّكَ وَبَابِكَ**  
**أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَظِيمُكَ شَعَائِرُ بَيْنِي بَعْدُ خَيْرٌ مِنْ بَيْنِي سَبِيحَةَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَوْلَى الْأَوْلَى وَالْحَقُّ فِيكَ وَ**  
**بِحَاوِيكَ السَّيِّدِ عَبْدِ الْعَظِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الْعَبْدَ الصَّالِحَ النَّاصِحَ الْعَالِمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا**  
**بْنَ مُوسَى الْكَاطِمِ فَاسْتَفْعِلْ عِنْدَ بَيْتِكَ حَلَاوَاتٍ مِنَ الْبَلَاءِ وَالشَّرِّ وَمَا حَتَّى تَسْتَفْعِلَ عِنْدِي وَتَسْتَفْعِلَ لِي**

افغانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 سَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ وَجَنَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَعَلَى أَجْدَادِكَ الْهَادِينَ وَأَبَائِكَ الْمُصْطَفِينَ

# شرح حال امامزاده عبدالعظیم

۱۴۹۰

المقرن بالري من ذبيد واشهد ان شهدك خير المشاهدين مسجربك و فاعدا لثرتي بمولاي خايشا  
 يا سيدي نوسلي صابا ونوسلي ابيك القبول للمؤمن لفضاء حاجتي وتهي الكونم واقتم بالله عليك وحق  
 ابائك واجدارك ان شمع دعوتي وتشتفع لفضاء حاجتي اللهم صل على محمد وآل محمد الذين هم شفعاي وسلا  
 وائمتي وصابي وارجوهم التجاه وابتر من أعدائهم في كل الحالات والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

**روح ورجحان التاسع عشر** در احوال حضرت امامزاده عبدالله ايضاً كه تزيينك مزار حضرت  
 امامزاده لازم العظم عبدالعظيم حسني مدفونست امامت شيعي ايجدر كبا انساب صحیح بد شده است عبدالله  
 ايضاً عجل بن محمد بن عبدالله شهيد بن حسين بن افضل بن علي بن حسين بن علي بن ابي طالب بن فاعده پنج پشت  
 نسب كه به امامزاده عبدالله منتهي ميشود حضرت امام زين العابدين <sup>ع</sup> نسبت نضالک للناسيب و نه والبدن فخر  
 في المحر وضيا وبعضى ان عوام اشباه کرده اند عباس بن محمد بن زكوار بن ابي عباس بن علي <sup>ع</sup> تا فاشد اندها تا شهر  
 اسمي است بر خطا رفته اند و جاعني از اهل نوارنج و ارباب سهر احوال وي با شرح داده اند كسانكه در مدون  
 و مختصا حضرت عبدالعظيم و حضرت عبدالله ايضاً و كسانى با ان مدفونين كشته اند و مرحوم  
 فاضل نورالله ابن زكوار و ادر كباي مجالس المؤمنين با ذكرده است بخارى نسابه گفته است در مزار كثر الانوار  
 ابو عبدالله حسين بن عبدالله ايضاً كه در سال مصاد و نوزده بر حشا بزدي پوشت پسر نزار حسين بن عبدالله  
 ايضاً ركبنا انساب مذكور است و سو عبدالله و سيد شريف احمد نسابه در كتاب عمده الطالب بن نزار احوال عبدالله  
 خبر داده است كه بعضى از مفاالات وى از جعفر روى عرض كردم و بنوا لا ايضاً در بين سپارند كه منسوب عبدالله ايضاً  
 و خود عبدالله و فرزندش حسين نواده اش عبدالله عالم و فاضل محدث و شاعر خوش بيان و شعرين زبان بوده اند  
 اما پدر امامزاده عبدالله ايضاً عباس بن محمد است و ولد بود و زباده از اين احوال الشرا نظر ندارم اما محمد بن عبدالله  
 شهيد اول امامزاده عبدالله كه است ابو جعفر است و بر ابي ابو الفرج اصمغله مادد بن نقيب خرموسى بن عرب  
 علي بن حسين بن علي بن ابي طالب است محمد بن محمد بن رابعه وى كال فرب منزلت است چنانكه معتصم بن زيد  
 مامون بگزدي حاضر بود و عود از اهل دنه ايت سنكيزه و وزن در دست او بود و شش مرتبه ملاخت و گرفت پس  
 عود را بجابت علي بن عباس ملاخت  
 و گرفت پس علي بن عباس با جعفر محمد بن عبدالله گفت شما را از اين هنر چه هست پس عود را گرفت شازده مرتبه اند  
 و گرفت معتصم از شدت غيظ شرح شد چون بگذاز ولايات را بعنوان ابان و حكومت بوى داده بود گفت چرا بامور  
 خود نمى روى البته زردى و لنگه شو چون نورادوست مبارك شريف لند پندى نوار سال خواهم داشت او را بنوشن  
 مسموم فرساده و بخورد و ببرد و بر حشا بزدي پوشت اما عبدالله شهيد كه جدا امامزاده عبدالله است و اولاد  
 عمده الطالب يك از انده زبدي است و عجب است از اين نسبت كه بوى داده اند از انكه زبدي را خروج بيفت از صومند  
 است وى خروج نكرد و لكن با حسين بن علي عاين شيعيخ بود كه مشير چاپل کرده و حسين بن زيب و صفت بوى كرد زمان

سهر امامزاده  
 و احوال حضرت  
 عبدالله ايضاً

سهر امامزاده  
 و احوال حضرت  
 عبدالله ايضاً

سهر امامزاده  
 و احوال حضرت  
 عبدالله ايضاً

# سرخ و حجاب

۹۱

رحلتش پس از شهادت شهادت در مدینه نوطن حینه هر دو الرشید خواست از بزرگان غلظت باند کسی  
از فضل بیخ جو باشد گفت در مدینه عبدالله بن حسن افسس است مردم با وی مراد و پیمانند پس حکم کرد  
را حاضر کردند و گفت تا که مردم را در اطراف خود جمع بمانی و بعد هفت بدید دعوت میکنی فرمود قسم بخدا من از  
اینجا بفرستیم و الفنی با آنها ندارم هر قدر وی و منزل هشتم خود را بخون من آوده مکن هر دو گفت میدانم بد  
قول خود صانعی پس وی را در خانه حبس کرد و چند کوشه در آن خانه رها کرد برای اینکه کوشه بازی کند عبدالله  
هر قدر نما کرد از مجلس او را بیرون آورد و عقیدت بشد نگاه نوشته هر دو نوشت که تمام فحش و دشنام هر دو  
بود یکی از ندما هر دو داده بجز از مضمون آن رسا پس چون بجز بر مکی داد و گفت بخوان و او را از حبس آورد  
و توسعه با ویده که اغتشاش در دماغ و اختلال در حواس وی سپه است پس بر آنت عمده الطالب هر دو گفت  
اللهم افر علی بن ولید من اولیائی و اولیائک پس جعفر بر مکی در روز نوروزان سید جلیل را خواست و بدست  
کردن او را زد و در میان نظر کرد و کذا و سر پوشی بر آن نهاد با هدا پایی بدوز نوروز برای هر دو فرستاد هر دو  
بجز پوش را بر داشته سر بریده عبدالله را بدعا عشاوی بلزله آمد چون جعفر حاضر شد گفت چو چنین کرد  
گفت بواسطه خلاف ادب دشمنی که داد پس حکم کرد سرش را با جسدش در بغداد دفن کرد  
سیر و خادم گفت جعفر را بقتل رسان جعفر سوال کرد چو اکتب بواسطه قتل عبدالله پس نسل بر امکه منقطع  
شد اما جدموم اما مراد عبدالله حسن افسس است و قنکه پدرش علی بن علی بن الحسن و فانی کرد وی در دم  
مادرش بود و مادرش کثیره سنه بود چون مجبلوئ محمد بن عبدالله محض صاحب نفس کثیره خروج کرد و این نزد  
محمد با حسن افسس از آنکه بلند بال بود او را رخ ال ابطال میگفتند و قنکه محمد بن عبدالله تر بک من  
شهید شد حسن فرار کرد زمان ملاقات حضرت صادق با منصور و این فی فرمودند اگر میخواهی خدای بر سوزنا  
کره باشی حسن افسس را ازین مکن و از کما هست بگذر پس از وی عفو کرد و بعضی از ایشان بنی فاطمه خوانده اند  
و میگویند حضرت صادق با ابی کریم حضرت صادق در مرض موث و صلیت فرمود هشاد بن افسس عیسی  
بدهند ساله کثیرا حضرت عرض کرد حسن افسس فضلا قتل شما داشته است شما انعام میفرمایید فرمودند خدا  
فرموده است یقطعون ما المره به ان یوصل  
بنوا افسس بنوا افسس در  
عرب عجم مشهور اند و ابو جعفر ثابری صاحب بیوطه قطعه گفته است که مطلقا اینست افسس بنو انم  
اسکنوا لا تکلوا و صاحب تاریخ عالم را گفته است سادات افسس در عراق و عرب بسیارند سید تاج الدین بن ابو  
الفضل که در عهد سلطان عادل باذل سلطان محمد خداینده انار الله بر هانه بود و باعث بر شیخ سلطان شد  
از سادات افسسی است عاقبت خواجه رشید طبیب که وزیر سلطان بود بسید نصیب بن و علاو شد این عریک  
کره او را با پسرش شهید کردند پس سلطان بر آشفت و کال غضب کرد و حکم نمود قاتلین وی را بر الاغها  
سوار کردند و در بازار بغداد کرد اینند و هر قدر شغافا توسط کردند قبول نشد و کشته شدند بعد

هر دو بخواند

از اینجه هر دو  
عبد  
حکیم  
الله علیها

# شرح حال امام زین العابدین

۴۹۲

ان نوشته است از سادات فاطمه علیها السلام و همچنین ابی طالب مدینه و نقیب النقیب فطی الدین محمد بن علی  
 و سادات دیگر در بلاد عرب و عجم بسیارند علماء نسیب فصل حالشان را ذکر کرده اند و فاطمه کسی را گویند که  
 دعا عشق هن باشد و جد چهارم امام زاده عبدالله ایضاً علی بن علی بن الحسن است مکنی بابی الحسن مادرش  
 ام ولد است از سن وی سی هشت سال گذشت در پنج رحلت کرد پس مخفی ماند که اصحاب علم زین العابدین  
 از شتر نر است حضرت باقر و عبدالله با مر و زید شهید و عمر اشرف و حسین اصغر و علی اصغر حیدر  
 قاضی صابر است که در فیه و نک نزدیک طهران مدفون است که بعد از این ذکر خواهد شد و علی اصغر در  
 امام زاده عبدالله ایضاً مدفون در کربلاست و برای ایشان هر یک از عباد الله که اولاد آنها بودند بقبول معرفت شدند  
 تا شناخته شوند چنانکه پدر حضرت عبدالعظیم عبدالله فاضل آمدند برای آنکه حاکم در محل قاضی بوده و عبدالله محض  
 فرزند حسن مثنی را محض خوانند برای آنکه از طرفین نسبت خالص باشد مادرش فاطمه بنت الحسین و پدرش حسن حسین بن  
 علی است عبدالله فاطمه نامیدند از فرزندیک مذکور شد و عبدالله امام زاده جلیل شهید خوانند و اصحاب  
 و این بزرگوار را ایضاً خوانند برای سبک بدن و رخسارش بود است چنانکه عربین علی بن ابیطالب را اطرف خوانند  
 بر آنکه بکطرف نسبتی شریف است و عمر بن علی بن الحسن اثر خوانند برای آنکه از طرفین شرافت داشته و نسبت  
 بجزئی مخفی مابقی هم برسانند از جهت مادر و لیکن عمر بن علی چنین بنوده است بر آری بیخ شبهه عرض میکنم که در مذکور  
 انوار از زین بن بکار نقل کرده کان للعباس بن امیر المؤمنین و ولد اسم عبدالله کان من العلماء یعنی حضرت عباس پی  
 داشت که اسمش عبدالله و از علماء بود و شیخ طوسی در کتاب غیبه فرمود که عبدالله بن عباس علی بن ابیطالب معروف است  
 و علماء مدجال او را نوشته کرده اند و هم چنین پدر بزرگوار حضرت عیسی علیه السلام است از آداب است عبدالله بن علی بن  
 لبراهیم بن حسن بن عبدالله بن عباس بن امیر المؤمنین و کان عالماً فاضلاً جواداً طافاً دنیا و جمع کتب استی الجعفریه  
 بها فقه أهل البيت قدم بغداد و اقام بها و حدث ثم سافر إلى مصر فوفى بها سنة ثمانی عشر و ثمانه و من نسل الجاه  
 العباس بن حسن بن عبدالله بن ذکری الحلی تاریخ البغداد فقال قدم البیت ایام الرشید و صحبه کان یکرّمه ثم  
 عبداً للمؤمنین و کان فاضلاً شاعراً فصيحاً و زعم العلویة انه اشرف ولد ابی طالب شیخ مفید در ارشاد فرموده است  
 عبدالله بن علی بن حسین برادر حضرت باقر است منول صدقات رسول الله و صدقات امیر المؤمنین بود و کان  
 فاضلاً فقیهاً روی عن ابائه عن رسول الله اخبار اکثراً و حدث الناس عن حملوا عنه الاثار و ایضا فرموده است عبد  
 الله بن محمد بن علی بن الحسین الخو جعفر بن محمد من ام واحد کان بشاراً بالفضل و الصلاح و کان دخل علی  
 بعض الامویة فاراد فله فقال له عبدالله لا تفتلنی ایاک علی الله عوا یهدیک بذلک ان من یسئع الی الله فیسفعه فقال  
 له الاموی لست هنا فناء التم یس از این و حدیث معلوم است که حضرت سید سجّاد و حضرت باقر علیهما السلام  
 فرزند عبدالله نام داشته اند و مرد و با فضل بوده اند پس عبدالله بن زین حضرت باقر با مادر حضرت صادق بکن  
 است خلاصه بعد از شرح احوالی ابا و احباده حضرت امام زاده عبدالله ایضاً نذیل بعضی عباد الله دیگر برای

شرح حال امام زین العابدین  
 عبدالله بن علی بن حسین

# شرح و بیان

۴۹۳

اطلاع خوانندگان مستعد است تا بخواهند بدانند که این بزرگوار خود شازادان این فیض عظیم و نصیب غنی است  
 که اسناد او از میان مراد اولاد او ظاهر شده و ثوابت بلکه تکمیل زبانت حضرت عبدالعظیم و حضرت  
 امامزاده حمزه زبانت این بزرگوار است و زبانت شریف وی خود حاکی است بر جلومتراش و چه نسبتا کسانیکه از  
 مراد صالحا گذشته اند و فایده هدیه نکرده اند و کویا نمیدانند جمعی از اخبار مریدان در امکان مدفون میباشد  
 و توقع فایده و سلامی دارند و چون بر حسب حال خویش هر کسی که بدین بکیش است خدمت افغان و افاضادگان خود اظها  
 ارادتی میباشد که کفایت نقل و محضرها باشد تا شناسند که شاید بعد از وی باشد و تذکره از او شود و داعی  
 از آنکه در زبانت حضرت عبدالعظیم و حضرت امامزاده حمزه زبانت نامه عرض کرده خویش برای این بزرگوار  
 که مستبدان حضرت سید مجتهد است زبانت نامه عرض کنم و اسناد عام از زبانت که این زبانت نامه مختصر

بسم الله الرحمن الرحيم  
 زبانت نامه حضرت عبدالعظیم

هم در این مراد بخوانند و پادای از این عبد فاضل عاشر نمایند  
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ اَمْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَبِاللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ  
 فَاطِمَةَ الرَّزْمِیَّةِ حَبِیْبَةِ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ الْحَسَنِ الرَّضِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عِیْنَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِیٍّ عِیْنَ اللّٰهِ  
 عَلَیْ ذَا اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ مَوْلَى اللّٰهِ عِیْنَ طَاعَةِ اللّٰهِ عِیْنَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامُ مِنْ اَبْنَائِهِ الْمُعْتَمِدِیْنَ عَلَیْكَ وَكَانَ  
 اَعْدَائِكَ وَابْنِكَ الْمُعْتَمِدِیْنَ بِاَنْتَ اَرْحَمُ مَا كُنْتَ مَعْتَمِدًا عَلَیْهِمْ وَاشْهَدُ اَنَّكَ ابْنُ اِمَامٍ وَالمَدْفُوْنُ فِی هَذَا الْمَقَامِ وَالمَحْدِثُ  
 الْعَلَامُ وَالسَّیِّدُ الْقَمَامُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ عِبَادِ اللّٰهِ الْاَبْرَقِ قُرْءَانَ اللّٰهِ فِی الْحَبِیْبَةِ خَيْرًا وَوَعَوْضَ فَعْبَدَكَ  
 اللّٰهُ يَا عِبْدَ اللّٰهِ حَتّٰی اَشْكَلَ لِبَعِیْنِیْ وَاشْكَلَ لِبَعِیْنِیْ وَابْنِیْ بِاسْمِكَ الْحَبِیْبِ وَرَجَوْتُ مِنْكَ حَقِیْقَةً مَضِيَّةً  
 وَتَجَاوَزْتُكَ لَنْ نَسْأَلَ اللّٰهُ مَغْفِرَةً لِيْ وَاجَابَةَ دَعْوَتِیْ وَبِقَوْلِ زَبَانِیْ وَاشْهَدُ اَنَّكَ اَمُوْلَاىِیْ يَا عِبْدَ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ  
 مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ عِیْنَ طَاعَةِ اللّٰهِ عِیْنَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامُ مِنْ اَبْنَائِهِ الْمُعْتَمِدِیْنَ عَلَیْكَ  
 الرَّضِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عِیْنَ طَاعَةِ اللّٰهِ عِیْنَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامُ مِنْ اَبْنَائِهِ الْمُعْتَمِدِیْنَ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 شرح و بیان  
 امامزاده فاضل صابری

شرح و بیان العیسی در احوال سید شریف صابری حضرت امامزاده فاضل صابری و نک است مخفی مانا  
 سابقا مبدع توفیق مسالمة موسوی بشیخه صابریه در احوال این امامزاده جلیل که مدفون در قم و نک است  
 از فرای طهران بطریق سبط عرض کردم و مجدداً عالی طبع اهل فضل و جز کردید در این اوراق لازم بود تا  
 احوالی شود تا عموم سکنه طهران و اهالی فرایان پستاشیران آگاه شوند اکنون نعمت بدیم که با قوت جمعی  
 در کتاب مجمل البلدان کشته است و نک بفتح و او و سکون نون و کاف غزیه من فری الرقی از این عبارات معلوم میشود  
 که در آن زمان و نک بسکون نون معروف بوده است و اکنون بفتح کاف مشهور دارد و همین عبارات صاحب  
 کتاب فایده الانساب لاعتبار نقل کرده است و کویا از برکات این امامزاده جلیل است این فری و در هکذا و نک  
 این باقیانده است همان اسم از آنکه غالباً در هکذا طرفی بواسطه خرابی و نشکست سکنه آن اسم اولی  
 تغییر کرده و این سوان با هم دیگر معروف است مثل موردیست که حال درشت میباشد و این فری و نک

# در احوال امامزاده فاضل صابر

۴۹۴

اباد است عماره جدید هم بر حسب حکم نافذ جناب جلالتنا اباجل اکرم الفخام ای مشحون الممالک میرزا یوسف دام جلا  
 نباشد است و این نزار است که در این اوقات ملجا اهل ثنوی و منظور نظر ذمه اصفا میباشد و این نور الهی  
 اگر چه نسبت کلیدش پنهان بود ولیکن آثارش در پیش در این پندش منادی منهدم نشد حال از حسن کفایت  
 و خلوص نیت حسن جناب معظم خانقاه اهل صفا و مطاف جماعتی از علماء و اهالی این ولا گردیده و جناب  
 منطاب علام فہام قدوة الفقہاء العظام سید المجتہدین آقا سید محمد طباطبائی <sup>صاحب</sup> منع الله الا نام بلفائده و  
 بغائہ شرحی از حدیث نسبت این بزرگوار نوشته اند پس بدان نسبت حضرت امامزاده فاضل صابر بدینگونه است ابوالفخام  
 علی بن محمد بن نصر بن مہدی بن محمد بن علی بن عمر بن عبد الله بن علی بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی  
 طالب بعد از بیان این اجداد و اباء کرام عظام ان سید شریف الامام خوانندگان بدانند که این بزرگوار  
 سید حسنی است و نسب را بحضرت علی بن الحسین بن ابوسلط حسین اصغر میرساند که بلافاصله فرزندان بزرگوار است  
 و در کتاب تاریخ کاشان را مسطور است که حسین اصغر بن علی بن الحسین مادری موسوی بساعل وام ولد بود و حسین  
 مرد صالح فاضل بود و کتباتش ابو عبد الله است و در سال یکصد و پنجاه و هفت در مدینہ و خان یافت و از او چند  
 پسر ماند عبد الله ابرج عبد الله و علی و ابو محمد و سلمه و اعقاب حسین اصغر در حجاز و عراق عرب شام و بلاد  
 و مغرب بسیارند و از این طبقه اند سادات مرعشی که در بلاد عجم اند و سابقا عرض شد که بنو لافطس سادات  
 منسوب علی اصغر بن علی بن الحسین حال معلوم شد که نسبت حضرت امامزاده فاضل صابر از اولاد حسین  
 که علی بن الحسین منہی میشود و ابوالفرج <sup>کاتب</sup> اصفا بمناسبت مقال بعضی از این طبقات را یاد کرده است صاحب  
 کتاب عمده الطالب فرموده است در احوال حسین اصغر و کان الحسین عقیقا محمدا فاضلا علما و از سن شریف  
 پنجاه و هفت سال گذشت و بتاریخ مسطور در مدینہ و خان کرد و علی که مکنی بابو الحسن است عبد بکر امامزاده  
 فاضل صابر است و بیجا جلالت قدر داشته است و کان من رجال نبی ہاشم لسانا و بیانا و فضلا و کان مندبا  
 پس این ترتیب سلسله اباء این سید جلیل منہی است و طوایر و کلابدن شهر و از بعضی عبارات صاحب کتاب  
 نهایتا الاعقاب معلوم میشود که تولد این بزرگوار هم در این شهر بود است و در علم نسبت از علوم مشہورہ  
 کمال امتیاز داشته در زمانهای گذشته هر یکی با نسایر بوده است و نسایر بی این بزرگوار بود و بعضی در  
 محضری استفادہ این علم را میکردند و داعی در رساله معہودہ اشارہ کرده ام و صاحب کتاب مسطور کثیرا  
 و قدر اینہ و کان جارحی الریح استفدت منہذا العلم یعنی امامزاده فاضل صابر در ری ہمایر من بود و من حدیث  
 حاضر ہستم و این علم را از وی استفادہ کردم و یکی از نسایر بی ابو ہاشم عبد الدین است که باز صاحب کتاب مذکور  
 از عبد الدین نقل کرده است کہ گفت و قدر اینہ بالری حضرت مجتہد کان بدخل علی و مجری ہشام ذکرہ فی علم  
 الانساب شہوتہ است و عشرین و خمائہ و از این مقالات معلوم است کہ عبد الدین نسایر با آنکہ نسبت با سید  
 بتجدد میرساند در این فن مامورہ است فہام امامزاده فاضل صابر نیز سید و ایضا در ان کتاب است کہ فولد بزرگوار

بزرگوار است  
 در احوال امامزاده فاضل صابر

نا حضرت فاضل صابر



# شرح ورحمان

۴۹۵

در احوال اسمعیل بن حسن بن زید بن حسن عجبی که ملقب بحال الحجاره بود اگر حال باجمعه بخوانیم بنا بر فرائد  
 نسابه و نکی است که من خود ایشان شنیدم فرمودند و کان اسمعیل یحمل الاحجار من الجبال و یفوقها المنا  
 والفضا طریقه قبیل له حال الحجاره بالجمعه ایضا در احوال محمد الدین نوشته است که گفت من در شجره سید  
 و نکی دیده ام و خوانده ام انساب فلان و فلان را و مخفی مانا که خلیفه معاصر زمان ابن زکوار مفتی لامر  
 است که در سال پانصد پنجاه و پنج هجری مرد و بعضی از خوانندگان بدانند نسبت حسیه بین انساب ممتاز است بلکه  
 است روحانیه و فضیله است همانند و حضرت امامزاده قاضی سابر سید شریف نسابه حسیه است پس انساب ممتاز است  
 ایشان و زیارت بران سید جلیل الشان باعث خوشنودی و جد شهادت سیدش است مظلومان است الشیر بعد از  
 علم بصحة انساب که بر ابن زکوار نهایت باضافت و کمال غفلت که با قدرت و مکتب ترک زیارتش نمایند بجا  
 کتاب که در اطراف آن بضعه کریمه و روضه عظیمه منوفاً ساکن اند و کویا عابرین آن مراد کثیر الانوار و باغچه  
 و زیارت مختصر همان ابن زکوار را یاد نمایند و شرفیاب و حضورشان شدت کبر و عز و زکرت کنند فیض و بهره و اجر  
 کلی را ترک کرده باشند از ثواب کثیر و محبوب و ممنوع باشند کویا انما اختصاص با ایشان هم نداشته باشد بلکه  
 از سادات نسابه در همان محل مدفون کرده اند که یکی از ایشان ابو الفتح و نکی است و محفل است ابو هاشم محمد  
 سید شریف نسابه و نیز در انجامد فون باشد و هر کس طالب است رجوع بان رساله کند باعث فریب و بصیرت  
 میشود و خوب است بر این مراد مبارکند هم زیارت نامه هر یک باشد بجز از نظرات و کلمات احادیث مطهره

اضافه  
 از امامت امامزاده قاضی  
 سابر بن شریف  
 نسابه

اباء مکرهین ایشان بوده باشم وان زیارت نامه اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا الْعَبْدِ الصَّالِحِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا السَّيِّدِ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا الطَّيِّعِ لِامْرِئِ اللهِ وَرِضْوَانِهِ  
 السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا النَّبِیِّ لِرَسُولِ اللهِ وَكَامِرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ نَسْلِهِ وَصَلْبِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ  
 اَبَا الْجَاهِدِ بِسَبِيلِ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا الْمُنَاصِحِ لِهٖ فِي جِهَادِ عَدُوِّ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا النَّبِیِّ فِي تَصَوُّفِ  
 اَوْلِيَاءِ اللهِ فَخْرِ اللهِ اَفْضَلِ الْخَيْرِ بَاوْفِ الْعَطَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا النَّسَبِ الْبَاهِرِ وَالْحَسْبِ الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَیْكَ  
 بِاصْلِحِ الْمَآثِرِ وَالْمَقَامِ السَّلَامُ عَلَیْكَ اَبَا السَّيِّدِ الشَّرِیْفِ النَّسَابِ بَا اَبَا الْقَاسِمِ بَا قَاضِي الشَّهَادَاتِ كَفَيْتَهُ  
 بِمَا أَقْضَاهُ اللهُ وَمَضَى كَمَا مَضَى رَسُولُ اللهِ فَاتَّبَعْنَا أَجْدَادَكَ وَأَقْبَنَيْتَ بَا بَابِكَ حَتَّى لَحِقْتَهُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ  
 مَعَهُمْ فِي رَجَائِنَا الْحَنِيئَةِ فَاشْهَدْ عِنْدَ رَبِّكَ بِأَجْرِهِمْ وَأَوْلِيَّتِهِمْ وَأَبْعُضْ عَدَائِهِمْ وَأَعَادِيَّتِهِمْ فَاسْتَلِ اللهُ تَعَالَى  
 وَأَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنْ يُصَلُّوا عَلَیْكَ وَيُسَلِّمُوا عَلَیْكَ وَعَلَيْكَ بِعَدَمِ مَا فِي خَلْقِ اللهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ

شرح  
 از امامزاده قاضی  
 سابر بن شریف  
 نسابه

السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ  
 ظاهر که در جوار حضرت عبدالعظیم مدفون است آنچه شیخ ابویضریحی که از کتب نسابه است در کتاب  
 الانساب نقل نموده این ابن زکوار از کسانیست که در شهر ری وارد شد و او را پیر مطهر نام بود و نسب  
 حضرت علی بن الحسین میرساند بگونه طاهر بن محمد بن محمد بن حسن بن حسن بن علی بن محمد بن زید بن



# روح و بیان

۱۴۹۷

و دیگر بنامی که با از ائمه زیدیه بوده است آنکه در سال دو و بیست و پنج هجری بر مسکن خروج کرد و اسم  
 همین بنامی است و بعضی هاست که در سال شصت و یک از کثرت فرزند در نزد و صفتش که خود خواهرش کرد  
 بمنعین بگوید تا قرض او را بدهد و اعشائی نکرد تا چار بگوفه آمد و جمعی را دعوت کرد علاوه از هفتاد هزار  
 درم از بیبا مال بر آورد و بین اشکران تقسیم نمود پس لشکری را بنوه برای دفع و قتل وی فرستادند اگر چه پیدا  
 غالب شد لیکن عاقبت مغلوب گردید و سرش را بسامره آوردند و در بغداد او بخشد و برای مهلی که بوی داشت  
 شعبه هجوی کردند و ابو الفرج گفته است از ابی طالب مفسول شدند و بر ای احد از ایشان مرثیه  
 تکفشد و در همان سال داعی اگر که حسن زینب است خروج فرمود پس بگری محمد است پس دیگرش احد است و  
 مشهور بحدیث ششم حضرت اسامه زاده طاهر حسین بن زیاد است مادرش کنیز است پدرش که شهید شد حسین  
 خوز سال بود و حضرت صادق وی را تربیت کرده فرزند خویش خواند چون بزرگ گردید کتاب علم از حضور  
 مظهر و انجذاب نمود و دختر محمد را فقط که پس عبدالله با هر بن علی بن الحسین است بوی تزویج نمودند و او  
 ذوالدمعه ذوالعبره اش نامیدند از آنکه گریه بسیار میکرد برای شهادت پدر و برادرش هارون <sup>و میگوید</sup> هارون  
 منعوی البکاء و حسین در او غمناک گردید و وی را کتب و اخبار بسیار است و در وقت محمد صاحب  
 زکوة و برادرش را هم قبل با خبری حضور داشت عاقبت در سال یکصد سی و پنج وفات یافت و او را اعقاب  
 کثیر است حدیث هشتم اسامه زاده طاهر زینب است حال وی را در ابتداء کتاب گریه نمودیم و او را چهار پسر بود  
 قبل جو جان حسین و العبره علیه مؤتم الاشبالی و محمد و دیگر چیزی از احوال این بزرگوار ندارم پس  
 از جهت دادن و نشان و جبارت خدمت شیعیان جبارت میر مؤمنان در دین شرح حال ایشان سید جلیل  
 است بارت نامه محضر که مفید شناسائی و ادبای گریه ایشانست نوشته شود چنانکه در زیارت امامزادگان  
 دیشان دیگر عرض شد بیست و سه **سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ الْجَلِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا**  
**العَبْدُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ الصَّبِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا مُحَمَّدٌ وَعَلَى السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي الْمُنَاجِحُ السَّلَامُ**  
**عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الصَّالِحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلَامِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَمْرِ وَالشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ**  
**يَا مُبْتَرِ الْحِكْمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الْعَالَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّمْسُ الزَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَرُّ الْبَاطِنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ**  
**أَيُّهَا الْعَلَمَةُ الْبَاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ وَابْنُ الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الْأَوْحَدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ**  
**يَا طَاهِرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَشْهَدُ أَنَّكَ دَارُ فَرْدٍ وَأَنَّكَ لَنَا خَيْرٌ جَارٍ بِكَ وَبِحُورِ بَيْتِكَ وَصَاحِبِكَ عِبْدَ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ**  
**حَضْرَةَ بْنِ مَوْسَى الْقُرَيْشِيِّ الْأَمِيرِ وَفَوْسَلِهِمُ الْكَشْفِيَّ الْعَزِيمَ الصَّلَوَةَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَاهِرَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ**  
**حُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ وَأَرْوَاحَ الْعَالَمِينَ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَبَرَّكَ كَلِمَهُ**  
**وَأَمَّا فِي الْكَلِمَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ**  
**السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ**

و مفسول

حدیث هشتم اسامه زاده طاهر

و محمد است بدان لقب او نام

حدیث هشتم اسامه زاده طاهر

سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا طَاهِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا حَسْبِيُّ السَّلَامِ

و اسامه زاده طاهر  
برای طاهر

# در لغت‌های کتب کبیر امدان

در ایشان که در آمدند و در حاکم کرده اند از کتاب استابکه مجرب باشد و معتنا به نقل کرده و در این شرح  
 در میان در ضمن احوال امام زادگان که مجله شرح آدم بن ولیم و کتاب خود را تکمیل بنام پس چینی چند روز  
 در ذاب حضرت عبدالعظیم معتکف و مفهم کرده بدم و بعد که از آن بزرگوار تمام نمودم بفضله بواسطه یکی از خدام آن  
 آستان دو کتاب صحیح از عربی و فارسی در یکجلد از سید جید مفتی که ظاهر آنها الفان مفارن زمان غیب صغری  
 بود مدست آمد لیکن مؤلف آن مذکور نیست الخ در ضمن آن دو کتاب شبهه برای داعی نیست آنکه بعد از آن  
 و مطالعات نام آن کتاب جزیره مطابق واقع یافته و عنوان کتاب عربی آن استوار است جماعه حروف و لغوی بلد است که  
 امام زادگان وارد شدند با بعضی از فرآورد ها تا حرف الف تا حرف با و منظور آورده است مثلا در حرف را در جمله  
 و دوم و راوند و دی با شهرها و دهها است که اول آن حرف را است آغاز و ابتدا کرده است هر یک از سادات چینی  
 و حسنی واردی شده اند بسیاره علماء رجال هر یک از پدری شده اند در آن وفات کرده اند از آن کتاب در این  
 باب نقل بنام و همانا امضا کنیم بفهم و تذکره خواص از آنکه آن عبارات و اثر و زینت دیگر است ترجمه کرده ایم  
 بجهت عوام زحمتی دیگر و اسم آن کتاب هم مسئله الطالیه است یعنی کسانیکه از اولاد طالیهین از بلاد خودشان نقل  
 بشهری کرده اند در مقابل الطالیهین نوشته است از فرزندان ابوالحسن محمد بن احمد شاعر اصفهانی  
 ابوالحسن علی شاعر ابن ابوالحسن است از فرزندان او سید عالم رسیده است اسمعیل ابراهیم بن عبد الله بن حسین بن  
 علی شاعر مذکور مصنف کتاب مسئله الطالیه در علم نسبت کویا این کتاب همانست و مؤلف آن ابوالحسن <sup>ابراهیم بن</sup>  
 عبد الله است الرقی ذکر من ورد الرقی من اولاد الحسن بن الحسن بن علی بن ابطالب منهم من ولد عبد الله بن الحسن  
 الحسن بن علی بن ابطالب بالرقی ابوالحسن محمد بن الحسن بن الحسن الاعوان محمد الکاتب بن عبد الله الاشرقی بن محمد  
 الزکری بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابطالب و مات هناك و انقرض نسله عقبه احد درج و علی درج و جعفر  
 درج و رقیه و فاطمه ذکر من ورد الرقی من اولاد ابراهیم بن العزیز بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابطالب منهم من ولد  
 اسمعیل بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابطالب بالرقی ابو محمد عبد الله الحجازی بن محمد بن عبد الله العالم بن الحسن بن الفاسم  
 ابراهیم الرقی بن ابراهیم طباطبائی ابوالرقی امام السیده ام فخر الدوله و صار نقيب الغزاة من حمير ما نكدهم القتب  
 نقيب من محمد بن ابي عبد الله و هو من الرضی و حده و من رقبه رجلین الفاسم ابره کار اینها بالرقی بنده شع و حسین  
 و اربعمائة و از این بیان معلوم میشود مؤلف در زمان چهار صد و پنجاه و نه بوده است الفاسم بن مرثی هذا هو  
 صد بن آدم الله نمکنه بالرقی اولاد عبد العظیم بن معتز الحسن بن علی بن الحسن بن الحسن بن ابراهیم بن الحسن بن  
 الحسن بن علی بالرقی اولاد الحسن بن معویز عبد العظیم بن الحسن بن معویز بن الحسن بن اسمعیل بن شیخی الکبا الاحلیه  
 المرشد بالله بن الشرف الاعرف بالرقی معتز احد ذکر من ورد بالرقی من اولاد جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابطالب  
 من ولد عبد الله بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن الرقی ابن الحسن بن علی بن الحسن بن ابي عبد الله محمد بن عبد الله بن  
 الابن بن عبد الله الحسين بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابطالب عقبه ابوالقاسم عبد الله يعرف بامر الكافيه

در این کتاب  
 از کتب کبیر  
 است که در  
 این باب  
 نقل شده  
 است

ابراهیم بن

بالجب

# شرح وبيان

١٤٩

وفيه لشجر احمد الامير زيد  
وابوطالب محمد وابو احمد  
محمد وابوهاشم محمد الرقي

باطب ابوطالب بعينه طره تما عانيه من اهل الرقي ابراهيم الوردي ابن ابو عبدالله محمد بن عبدالله الامير بن عبدالله  
الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي الحسن محمد واحد وابو جعفر محمد كان بالرقي ابو القاسم علي الاحول  
طش بن اب عبدالله الامير بن عبد الله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب <sup>الكسكي</sup> بن جعفر بن جعفر بن جعفر  
وابو العباس محمد الاعرج بالامواز ذكر من ورد الرقي من ولد محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب  
كان بالرقي قديما ابو القاسم عيسى بن الحسن البلق بن علي بن محمد بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن علي بن ابي طالب و  
ولده باسرا باد ذكر من ورد الرقي من اولاد زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب منهم ولد القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن بن  
علي بن ابي طالب نازل نزار وابو الحسن علي الاصغر بن محمد شدي بن الحسن بن علي بن محمد بن ابو القاسم زيد المعروف  
بجدي بالرقي من اولاد ابي هاشم الحسين بن محمد شدي بن الحسين بن علي بن محمد البطاني ابو القاسم زيد المعروف بجدي  
ابو زيد الحسن الفاري لاعقب له قتل بخراسان وابوهاشم الحسين وابوطالب محمد وابو العباس احمد المعروف بالندعي  
شدي وهو النسابة وخره درج الناصر عيسى وابوطالب الحسين درج بالرقي محمد ارضك المشهدين الحسن بن محمد  
شدي بن الحسن بن علي بن محمد البطاني لعقب الحسين والداعي الضري محمد وابو زيد انقرض بالرقي ولد محمد بن محمد بن  
هر بن محمد البطاني بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب عن ابي الصو بالرقي ابو الحسن هرون الاقطع بن  
الحسين بن محمد بن هرون البطاني قال السيد الامام زين الشرف الهاون بندهم ولدا الاقطع وهو هرون بن الحسين بن محمد  
البطاني وابو الحسين بن محمد البطاني وابو الحسن لعقبه ابن القاسم الحسين وعلي له عقب عن التجار بن ابو المنذر  
قالا الحسين بن هرون واهل طبرستان وخرهم من النساء يقولون الحسين بن محمد بن هرون بن محمد البطاني اسفطين طباطبا  
بن الحسين هرون الاول محمد وحكا عن التجار بن غيره وهو الخطا والصحح ما ذكرناه وجد بخط الكا اجل السيد النساء  
المرشد بالله زين الشرف ادم الله علوه بالرقي من نازلهم طابن القاسم بن احمد كوره ابن اب جعفر بن محمد بن جعفر بن عبد الله  
الشجري القدام ولد بعقبه عن جبلين ابن اب الحسن بن محمد بن محمد بن الحسين بن كاري بن الاشري ومن اب  
الحسن علي وقبل بكني ابو القاسم واقدم كل قوم بنيت احمد الرازي بالرقي من نازلهم خراسان الحسين بن اسمعيل بن زيد بن  
الحسن بن جعفر بن الحسن بن محمد بن جعفر بن عبد الرحمن الشجري والامام الموفق بالله شمس الشرف عقب السيد الامام  
المرشد بالله زين الشرف ابو الحسين بن محمد بن الحسن بن علي بن ابي طالب بن محمد بن هرون بن احمد بن هبة الله بن  
محمد بن عبد الرحمن الشجري قبل والده هو الشهيد بن جعفر ابو عبدالله جعفر الشرايفي درج ولا عقبه ابو القاسم احمد  
علي بن القاسم النقيب بن جعفر بن احمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الرحمن الشجري له مات منهم بنو الكسكي ذكر من ورد الرقي  
الرقي من اولاد علي بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب بالرقي ابو القاسم عبد العظيم بن عبدالله بن علي بن الحسن بن  
زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب من نائلة طبرستان وهو الحديث الزاهد صاحب الشهادة الشجره بالرقي وفجره بزار  
ام ولد وعمر ابو عبدالله بن طباطبا عبد العظيم بن عبدالله لاعقب له وعن اب القاسم نولد عبد العظيم بن عبدالله بن محمد امه  
طاهر بن جعفر بن عبد الله بن الحسين بن جعفر بن محمد بن الحسن بن محمد بن القاسم النقيب النسابة امام عبد العظيم بن عبدالله بن

ابو القاسم النقيب  
ابو القاسم النقيب  
ابو القاسم النقيب  
ابو القاسم النقيب

# در امامت الكاظمين عليه السلام

عيسى بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب واعقب من محمد درج ورفعه وخليفته قال الشيخ الكاظم الاجل السيد  
الامام الشاه المرشد بالله زين الشرف ابو الحسين يحيى بن الحسن ادام الله نعمته من محمد وحده درج ذكره من  
الري من اولاد اسمعيل جالب الحجاز بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب منهم ولد علي الزانكي بن اسمعيل  
الحسن بن زيد بن الحسن بالري ابو القاسم احمد لافم بن ابي القاسم علي الزانكي بن اسمعيل جالب الحجاز بن الحسن بن زيد بن  
زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب وعن ابي الحسين محمد بن القاسم القمي النسابة قبله في احد بابو وقال يكنى ابو القاسم  
واقدم ولد العقب من ابي الحسن علي اسمعيل القاسم بالري القاسم بن ابي القاسم علي الزانكي بن اسمعيل جالب الحجاز  
ابن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب عقيب علي اقدم ولد عن الحسين محمد القاسم القمي النسابة بالري  
من ولد محمد الامين بن علي بن علي بن علي الزانكي بن اسمعيل جالب الحجاز بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي  
طالب ذكره من ذريته من ولد اسحق الكوكبي بن الحسن الامين بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب منهم من ولد  
ابن اسحق بن الحسن بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب بالري امير بن عبد الله محمد بن زيد بن احد الخطيب بن الحسن بن  
علي بن جعفر بن محمد بن اسحق الكوكبي بن الحسن الامين بن زيد بن الحسن بن علي بن ابي طالب عقيب علي ابو القاسم  
بغدا واحدا وما نكدهم ذكره من ذريته من ولد الحسين بن علي ثم من اولاد محمد بن علي بن الحسن بن علي منهم من ولد  
موسى الكاظم بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب بالري من اولاد داود بن موسى بن ابراهيم بن جعفر  
وعن ابي عبد الله طابا النسابة اود بن موسى من الثوريين قال ما رأيت في ذرية الرضا ولا في ذرية جعفر  
موسى بن ابراهيم بن موسى الكاظم بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب عن ابي جعفر الحسين النسابة بالري  
علي القاسم بن موسى بن القاسم بن عبد الله بن موسى بن جعفر الصادق عقيب ابو جعفر محمد عقيب موسى عقيب  
رجل انه احد بن علي كذاب دعوى بالري من ناطق طوس لقبه محال الطلب محمد بن الداعي الناصر بن محمد بن محمد بن محمد بن  
القاسم بن محمد بن موسى الكاظم ذكره من ذريته من اولاد علي العريضي بن جعفر الصادق منهم من ولد محمد الاكبر بن  
علي العريضي بن جعفر الصادق بالري عيسى بن علي بن ابراهيم بن محمد الازرق بن علي الاكبر بن محمد الاكبر بن علي  
العريضي بن جعفر الصادق بالري مرهون بن حمزة بن علي بن الحسين بن الحسين بن الحسين بن علي العريضي بالري ابو الحسن  
علي الحسين بن عيسى بن محمد بن علي العريضي عقيب حمزة وابن ابي عبد الله الحسين عقيب حمزة بن علي وابو جعفر الاحول بن  
محمد بن الحسين بن علي الاكبر الثعلبي بن محمد الاكبر بن علي العريضي عقيب الحسين هو مينا امه جعفر بن وطال بن ابي جعفر  
محمد وملكدهم امهات ابي طالب حرة الحسينية وعز بن امة عامية الحسين بن اكا عمار او هو اصغرهم وابو حنيفة بن علي امير  
بالري محمد بن احمد مفاطين بن علي بن محمد الاكبر بن علي العريضي عقيب محمد بن علي بن الحسين بالري جعفر الاكبر بن الحسين بن محمد  
ابن علي العريضي عن ابي جعفر النسابة الحسينية هو مينا ولم يذكر السيد الامام النسابة المرشد بالله اولاده بالري ابو اسمعيل  
يسوع بن محمد الاكبر بن علي العريضي وعن ابي عبد الله طابا النسابة وقال السيد النسابة المرشد بالله ابو الحسين بن  
يحيى بن الحسين الحسينية لا يعرف ذلك بالري وعن السيد النسابة المرشد بالله العقب من سلما بن علي الاكبر بن علي المرشد

# روح وريحان

عن الشريف بن أبي جعفر النسابة وعن السيد النسابة المرشد بالله العفيف سليمان بن عيسى الأكبر لا يفي له محمد روح بالرقى  
حمزة بن الحسين بن محمد بن الحسين بن محمد بن علي الرضي بن جعفر الصادق عفي جعفر وعبدالله واحد عيسى وعلي ونصر  
محمد وعبدالله واسحق وعن النسابة المرشد بالله هم بالمدينة بالرقى على بن الحسين بن محمد بن الحسين بن محمد الأكبر بن علي  
الرضي عفي محمد الحسن ذكر من ولد الرقى من اولاد محمد الديباج بن جعفر الصادق منهم من ولد على الحارث بن محمد  
الديباج بن جعفر بن محمد بن علي الرضى من اولاد عبدالله بن الحسين بن علي الحارث بن محمد الديباج بن جعفر الصادق بالرقى  
من نازلة لبله ومات هناك محمد بن الحسين بن علي الحارث بن محمد الديباج ذكر من ولد الرقى من ولد اسحق المؤمن  
فازلة الكوفة ابو جعفر بن احمد الوارث بن حمزة محمد بن اسحق المؤمن ذكر من ولد الرقى من اولاد عبدالله بن باهر بن علي  
الحسين بن بن العابدين بالرقى ابو القاسم حمزة بن الاطرش بن عبدالله بن الحسين البصير بن اسمعيل بن محمد الارطابن  
عبدالله الباهر بن علي بن الحسين بن عبدالله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن  
علي بن اسباط بن محمد من ولد ابن عمه لا شرف بن علي بن الحسين بن علي بن اسباط بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن  
الحسن بن علي بن لا شرف بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن  
جعفر بن الحسين بن علي بن عمه لا شرف بن علي بن الحسين بن علي بن عمه لا شرف ذكر من ولد الرقى من اولاد علي بن  
الشهيد الامام منهم من ولد الحسين بن زيد الشهيد بالرقى ابو جعفر محمد بن شيبان القاسم بن محمد بن عمر بن يحيى بن الحسين بن  
زيد الشهيد عفي على التتوي واحمد والحسين وجعفر وفاطمة وعن ابي جعفر الحسين بن القاسم بالرقى طاهر بن اسباط  
محمد البرقع بن محمد بن الحسين بن الحسين بن عيسى بن يحيى بن الحسين بن زيد الشهيد الطاهر بن زيد بن شيبان بن علي  
حمزة بن الحسين بن محمد بن حمزة بن اسحق بن لا شرف بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن الحسين بن  
الشهيد الامام عفي محمد وعبدالله والقاسم سكنة ذكر من ولد الرقى من اولاد عيسى بن زيد الشهيد الامام  
ذكر من ولد الرقى من اولاد الحسين الاصغر منهم من ولد عبدالله الاعرج بن الحسين الاصغر بالرقى من نازلة اصل  
ابو هاشم محمد الجواني الشيخ احمد طاهر بن علي بن محمد بن الحسين بن عبدالله بن الحسين بن محمد الجواني بن الحسين بن محمد  
عبدالله الاعرج بن الحسين الاصغر عفي ابو الفضل يحيى ابو عبدالله جعفر بالرقى من نازلة اصل ابو محمد الحسن بن محمد بن  
الحسن بن علي عبدالله بن الحسين بن محمد الجواني بن الحسين بن محمد بن عبدالله الاعرج ومات بها في المحرم من سنة  
واربعاء عفي ابو الحسين يحيى وابو هاشم محمد وسكنة ذكر من ولد الرقى من اولاد علي بن الحسين الاصغر من نازلة  
المدينة وهو الصاحب هناك ابو الحسن احمد الشيخ العفيف بن عيسى بن علي بن الحسين الاصغر احمد ولد عفي عليه  
له ابنة بنت اسحق بن عبد الرحمن بن محمد بن عبدالله بن كيث بن الصلت بن الحسين بن علي وابو القاسم والحسن  
وهم لامقانا اولاد شفي محمد وحمزة وام كلثوم وزينب لامقانا اولاد الطرقات ذكر من ولد الرقى من اولاد  
الحسن الاطلس بن علي بن علي بالرقى من نازلة الكوفة وهو الشاعر ابو عبدالله الحسين بن عبدالله الاصغر الابن بن  
عيسى بن عبدالله بن الحسن الاطلس وعن ابي جعفر الحسين بن القاسم لا يفي له الحسين الشاعر وعن من بالولد ذكر من ولد

در بيان روح وريحان  
ابو جعفر محمد بن الحسين  
که هر دو نام او است  
عبدالله بن محمد بن الحسين



# در امامزادگان کاتبی آمدند

۵۰۴

بالتی من اولاد محمد الحنفیه منهم من ولد جعفر بن محمد بن الحنفیه بن علی بن ابي طالب بالتی ابو الحسن احمد بن علی بن جعفر بن محمد بن الحنفیه بن علی بالتی ابو الحسن احمد بن علی بن جعفر بن عبد الله راس المدری بن جعفر بن عبد الله بن محمد الحنفیه عن ابی جعفر الحنفی بالتی من نازله قم ابو زید محمد بن احمد الزاهد بن محمد العویش بن علی بن عبد الله راس المدری بن جعفر بن عبد الله بن جعفر عقیقه ابو القاسم عزیزی ابراهیم واحد وسواء هولاء انی جز الرقی ذکر من ولد الرقی من اولاد العباس بن علی بن ابي طالب منهم من ولد عبد الله بن الحسن بن عبد الله بن العباس بن علی بن ابي طالب بالتی ابو محمد القاسم بن التجانی بن عبد الله بن الحسن بن عبد الله بن العباس وقدمه ام عصبه ابو الحسن علی الشعرفی وحمره وداود و اسمعيل وداود وسواء هولاء عن ابی الحسن بن احمد بن عیسی بن علی بن الحسن الاصغر بن علی بن العابد بن ابو الحسن ابو عبد الله وامه امرأة من مراهل الرقی بالتی من اولاد ابراهیم بن محمد التجانی بن عبد الله بن عبد الله بن عباس بن علی ذکر من ولد الرقی من نازله کلین سواد الرقیان من ارض طبرستان ابو عقیل محمد بن علی بن محمد بن الحسن بن اسمعيل بن عبد الله بن عبد الله بن العباس عقیقه بالتی اولاد الحسن بن موسی بن عبد الله بن عبد الله بن الحسن بن عبد الله بن العباس علی بن جعفر الحنفی القسبه ذکر من ولد الرقی من اولاد عمر الاطرف منهم من ولد عبد الله بن عمر الاطرف بالتی اولاد احمد بن القاسم ابی عمر بن محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر الاطرف بالتی من اولاد هاشم بن جعفر المدانی بن محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر الاطرف عن طباطبا القسبه ذکر من ولد الرقی من اولاد جعفر بن محمد بن عمر الاطرف بن علی بن علی بن ابي طالب بالتی من اولاد هاشم بن جعفر بن محمد الابلی بن جعفر بن محمد بن عمر الاطرف ذکر من ولد من جعفر الطیار بن ابي طالب منهم من ولد علی بن ابی عبد الله بن جواد بن جعفر بالتی من اولاد ابراهیم بن الحسن المکدر بن محمد بن حمزه بن اسحق الاشرف بن علی الزینوی بن عبد الله بن جواد بن جعفر بالتی بن جعفر بن الحسين ابنا حمزه بن اسحق الاشرف بن علی الزینوی بن عبد الله بن جواد بن جعفر الطیار ذکر من ولد الرقی ابو الفوارس بن محمد الاصغر بن الحسن المکدر بن محمد بن حمزه بن اسحق الاشرف بن علی الزینوی بن عبد الله بن جعفر الطیار عقیقه ابو العباس احمد صاحب الوقف بالتی ذکر من ولد الرقی من اولاد اسحق العریضی بن عبد الله الجواد بن جعفر الطیار بالتی اولاد اسمعيل بن جعفر بن عبد الله بن القاسم بن اسحق بن اسحق بن عبد الله الجواد حنفی ما نادا از کتاب نقل الطایفه ایضا امامزادگان کاتبه داعی استقصا کرده در سواد و دهان و اعمال و دی مدغون شده اند ضمن هر حرف و اجزای نیمی صاحب کتاب مذکور ذکر نموده است جوینست بنویسم اگر چه اسمی قدیم این دهات ابن اوقات مشهور نیست مانند بویه که مدفن کسبیت ریای عرفا سنان افزون من سنان الرقی ذکر من ولد سنان افزون من اولاد محمد بن الحنفیه سنان افزون من نازله قم احمد بن محمد بن محمد العویش بن علی بن عبد الله راس المدری بن جعفر بن عبد الله بن جعفر الاصغر بن محمد بن الحنفیه بن علی بن ابي طالب عقیقه بالتی ثم وفرو بن و ابو الحسن علی بن عبد الله بن الحسين الفقیه بن زین و ابو زید محمد بالتی فی الشجره زید و الحسن و ابی عرفه باء بر سین من سنان الرقی ذکر من ولد بر سین من ولد الحسن بن علی بن ابي طالب ثم من اولاد محمد الباقه منهم من ولد علی العریضی بن جعفر بن محمد بن نازله قم ابو القاسم الحسن بن علی بن محمد بن احمد بن عیسی اکبر بن محمد بن اکبر بن علی العریضی بن جعفر الصغیر



# در افتادگان کتب امداد

بمد الله تعالى در افتادگان این کتاب علی ما یلین فی الباب ما اثر ما ثوره و معارف مشهوره سادات اطباء که اولاد  
 اجداد ابراهیم طاهر بن علیهم السلام اند که در وجه نوم و از میان فوجها نشان ایشان این روح و روحان که انجام  
 عنوان است از اسامی شریفه جامع از این طایفه حقه بود که درم و از این موهب که توفیق رحمانی و ناسبتی  
 خداوند عطا و متان را شاگردم لیکن بر حسب اراده قلبی و اخلاص صمیمی خواستم در ذیل احوال افاضادگان  
 تصریح و تشریح بفرمایم از شجران یکی از سادات عالی الدرجات که در دار الخلافه طهران ساکنند که در ده ششم  
 و از نسب شریفیم ان محصل و تکمیل مراد و مقصود بنمایم که انشاء الله مراد و مقصود محض جز اجر اخروی نیست  
 و بحاله شجره که در نسب انبیا مقامات را عظم علماء سادات و محول را باب سعادت است و شک و شبهه در صحت  
 ان نیست در شرح توضیح ان فوائد کثیره و فرائد و غیره منطوی است شجره طاهره باهره و نسب طالع لامع خلیل  
 سید العظم و النور الفخر العجمی الذاخر و التحاب الماطر و الموبد الباهر الفائق علی الاوائل و الاخر منیع السیاده و فخر  
 الساده ذی الملكة القویة و العفانة الزکیة الالهی الاوزعی اللودی فی الدینی بن اقرانه کالفر المصنی صهر حضرت  
 السلطان امام الجعفر و الجماعة فی بلدة الناصریة المدعو بالطهران صاحب الفخر و المکارم المیزان العابدین  
 المرجو المبرور المدبر لفلک الافاده و الافاضة و المنیر من فوق سما الزهاده و العبادة سید المجتهدین رئیس  
 الفقهاء و البحرین المیر ابو القاسم جزاه الله فی عیال افضل جزاء المحسنین کما جزا فرقة عینه ثمره فواده فی دنیا  
 بحیث جعله من المغبوطین و بلغه فی مرضیه حبل مستقیل او فاته خیر من فاضله قدر مناسب بدانم بعضی از ایشان  
 ابو فراس فرزدی شاعر که در مدح حضرت علی الحسینی علیه السلام در اینجمل از زبان قلم بر خوانندگان بخوانم  
 هذا علی رسول الله و والد امیر منور هذا نعمتک الام اذا رفرت ثریا قال فائلها المکارم هذا بنی اللوم  
 بنی الذرقة العزالی فی عریبها عرب الاسلام و العجم نبشون و الهک عن نوحیة کاشمش نجاب عن اشرفها الظم  
 مشقة من سوا الله بنفنه طاب عناصره و الخیم و النشم هذا بن فاطمة ان کنت جاهله بجد انبیا الله قد حنوا  
 سهل الخلق لا عشی بواد نرینة الخصلنا الخلق و الکرم ان عتاهل العفی کانوا انتم او قبل خیر خلق الله قبلهم  
 الی اخر و داعی بعد اسناد و استنشاها این ابیات شایسته است آنچه را از محشری بر مقامات گفته است بنویسد  
 اتم بالله و ابانه و مشعر الخفت مفانه ان الحریعی حریمان یکب بالثوم مفامانه و انساب جلیله این متین  
 جلیل الشان از فرادیکه منظور نموده ام و در یکی از اجزاء باضیه خوانده ام بدینگونه تحریر است میرزین العابدین  
 میر ابو القاسم بن میر محمد حسن بن میر محمد حسن بن میر محمد حسن بن میر محمد صالح بن میر  
 الواسع بن میر محمد صالح بن اسمعیل بن عباد الدین بن حسن بن سید جلال الدین بن سید مرتضی بن سید امیر محمد حسن  
 سید شرف الدین علی بن سید حسن بن سید شرف الدین علی بن عبد الدین بن محمد بن قاسم بن میر محمد حسن بن شرف  
 الدین بن میر محمد حسن بن عباد الشرف بن عباد بن محمد بن حسن بن محمد بن حسین علی بن فطرس الحسن بن الحسن بن علی  
 ابی طالب و خویست از لسان این سادات بنیله و نسبت جمله و بدین از نصیده فرزدی بن غالب بن صعصعه  
 علیه و علی و سلم

جمعی از شجره طاهره  
 و از نسب شریفیم  
 ان محصل و تکمیل  
 مراد و مقصود  
 بنمایم که انشاء  
 الله مراد و مقصود  
 محض جز اجر اخروی  
 نیست